



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



آر علی مرتضیٰ

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



از بر که غدیر

قای کران کوبلا

حیدر تربتی کربلائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از برکه غدیر تا بی کران کربلا ((غدیر، عاشورا و غلو))

نویسنده:

حیدر تربتی کربلایی

ناشر چاپی:

حبیب

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
از برکه غدیر تا بی کران کربلا ((غدیر، عاشورا و غلو))	۶
مشخصات کتاب	۶
اشاره	۶
آغاز	۹
فرازهایی از خطابه شریف غدیر	۱۱
غدیر و یأس کفار	۲۱
غدیر و غدر شیطان	۲۸
غدیر و انحرافات	۴۲
غلو و غالیان	۵۱
قرآن، معصوم و غلو	۵۶
اهل بیت (ع) و اهل بیت (ع)	۹۴
معرفت و محبت اهل بیت	۱۰۱
خاتم ختام	۱۳۰
فهرست منابع	۱۳۴
درباره مرکز	۱۴۲

از برکه غدیر تا بی کران کربلا ((غدیر، عاشورا و غلو))

مشخصات کتاب

سرشناسه : تربتی کربلایی، حیدر، ۱۳۳۸ -

عنوان و نام پدیدآور : از برکه غدیر تا بی کران کربلا ((غدیر، عاشورا و غلو)) / حیدر تربتی کربلایی.

مشخصات نشر : قم: حیب، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۱۳۵ ص:؛ ۱۲×۱۷ س م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۱۷-۰۳-۳

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۳۱-۱۳۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق — اثبات خلافت

موضوع : غدیر خم

موضوع : عاشورا

موضوع : غلو

رده بندی کنگره : BP۲۲۳/۵ ت۳۵/الف ۴ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۹۲۷۳۷

ص: ۱

اشاره

ص: ۴

آغاز

ص: ۵

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنه الله على أعدائهم أجمعين

۱۸ ذی الحجّه الحرام، روزی که اهل بیت علیهم السّلام از آن با عناوینی از جمله «عید الله الأكبر»، «عید الغدير» و «يوم الولاية» یاد فرموده اند؛ روزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در بازگشت از آخرین سفر حجّ خویش، در حضور هزاران حاجی، مراسم بسیار باشکوهی را برگزار و خطبه با عظمت غدیر را ایراد فرمودند که شامل نکات و سرمتن های دقیق، کلیدی و ارزشمندی است که درک آن، به فهم درون مایه دین می انجامد.

ص: ۶

به توفیق الهی و استمداد از اعلیٰ حضرت بقیه‌الله الأعظم عجل الله فرجه الشریف، برخی از سرمتن های خطبه و نیز آفات غدیر را بررسی خواهیم کرد زیرا در همین جایگاه است که تمام محتوای دین عرضه می شود؛ همان که غفلت از آن و جدایی از آن، عاشورا را رقم زد:

غدیر را چو به صحرای غفلت افکندند

کشید موج ستم، خون به بام عاشورا

باشد تا یاری کند ما را سیدالانام، ارباب بی کفن، تا بدانیم ندای «هل من ناصر» مولا، امروز کدامین «لیک» را می طلبد؛

تا بدانیم، بفهمیم و «لیک» گوئیم.

و السلام علی من اتبع الهدی

محرم الحرام ۱۴۳۵ هجری قمری

فرازهایی از خطابه شریف غدیر

ص: ۷

غدیر، خلاصه نبوت و رسالت پیامبر است. هدف این واقعه باشکوه، اعلام امامت مولی الموحّـدین امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین از نسل ایشان، به مقام امامت و ولایت است.

خطابه رسول الله درصدد بیان این معناست که رسالت همواره ادامه ندارد، بلکه در مقطع زمانی خاصی بود و گذشت، اما باطن رسالت، که همان ولایت ائمه اهل بیت علیهم السّلام است، برای همیشه ادامه دارد. پیامبر همچنین درباره پذیرفتن، پای بندی، حفظ و ابلاغ غدیر، هشدارهای بسیار حائز اهمیتی بیان فرمودند و از آنجا که نسبت به آفات

ص: ۸

و انحرافات غدیر کاملاً آگاه بودند، برای پیشگیری از ابتلای جامعه اسلامی به آن انحرافات، مطالب عمده ای فرمودند؛

از جمله سرمتن های عنوان شده در این زمینه، می توان به قرار دادن «صراط مستقیم» از جانب خداوند تبارک و تعالی و تبیین آن توسط رسول الله اشاره نمود که مصداق تمام و تمام مصداق «صراط مستقیم» را بیان و تعیین فرمودند.

امام باقر علیه السّلام در روایتی که از خطبه غدیر نقل کردند، این فراز را یادآور می شوند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

... مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَنَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ الَّذِي أَمَرَكُمْ أَنْ تَسْأَلُوا الْهُدَى إِلَيْهِ ثُمَّ عَلَيَّ بَعْدِي

ای مردم، من هستم صراط مستقیم، راهی که هیچ کژی در آن نیست، همان صراط مستقیمی که خداوند به شما امر فرموده که هدایت به سوی

ص: ۹

خدا را از طریق آن جويا شوید و پس از من علی «صراط مستقیم» است.

سپس سوره مبارکه فاتحه الكتاب را تلاوت فرمودند. (۱)

خداوند تبارک و تعالی امر فرموده است که هر روز حداقل پنج مرتبه نماز را اقامه کنیم و «لا صلاه الا بفاتحه الكتاب». در سوره فاتحه الكتاب می خوانیم «اهدنا الصِّراط المستقیم»، یعنی هر روز حداقل ده مرتبه می گوییم «اهدنا الصِّراط المستقیم». این «صراط مستقیم» اهل بیت هستند «حضرات معصومین»، کسانی که به مقام امامت و ولایت الهی از جانب خداوند تعالی منصوب هستند.

سپس رسول الله فرمود:

۱- سید ابن طاووس رحمه الله این روایت را در کتاب شریف الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامر المؤمنین: صفحه ۳۵۵ به سند از کتب مخالفین شیعه آورده است.

ص: ۱۰

... فِيهِمْ نَزَلَتْ، فِيهِمْ ذَكَرْتُ، لَهُمْ شَجِلَتْ، إِيَّاهُمْ خَصَّتْ وَ عَمَّتْ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ، الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ... (۱)

این سوره درباره خاندان من نازل شده است، این سوره درباره آنان یاد شده است، تنها شامل ایشان است (و شامل فرد یا افراد دیگری نیست) تنها ویژه ایشان و برای ایشان است و تنها به اینان تعمیم داده شده است (یعنی هادی نوعی مدّ نظر نیست، بلکه هداه بأشخاصهم مورد نظر است. اینها صراط مستقیم هستند و اینها هادی به سوی صراط مستقیم هستند)....

پیامبر در فراز دیگری، به حلال و حرام اشاره فرمودند:

أَلَا إِنَّ الْحَرَامَ وَالْحَلَالَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَأُعَرِّفَهُمَا

ص: ۱۱

فَمَا مَرَّ بِالْحَلَالِ وَأَنْتَ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَتَّخِذَ (أَتَّخِذَ) الْبَيْعَةَ عَلَيْكُمْ وَالصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ. (۱)

آگاه باشید که حلال و حرام بیش از آن است که من آن را به شماره درآورم و در جایی واحد (در یک مکان، در یک خطبه) به حلال امر کنم و از حرام نهی نمایم و من در اینجا دستور دارم از شما پیمان بگیرم بیعت بگیرم بر پذیرش آنچه خداوند نازل فرموده درباره علی امیرالمؤمنین و امامان پس از او که از نسل من و علی هستند.

سپس رسول الله فرمودند:

۱- روضه الواعظین: جلد ۱ صفحه ۹۸، یقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامره المؤمنین: صفحه ۳۵۸ و العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة: صفحه ۱۸۰.

ص: ۱۲

الْإِمَامَةُ فِيهِمْ قَائِمَةٌ خَاتَمُهَا الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى يَوْمِ يَلْقَى اللَّهَ الَّذِي يُقَدَّرُ وَيَقْضَى.

امامت در این افراد «قائمه» است (یعنی در وجود فرد یا افراد دیگری برپا نیست بلکه تنها در وجود این افراد برپا داشته شده) که پایان آن، در وجود مبارک مهدی (حضرت صاحب الامر سلام الله علیه) است تا روزی که خداوندی را ملاقات نماید که تقدیر و قضاء می کند (یعنی روز قیامت)... .

تا اینکه فرمودند:

كُلُّ حَلَالٍ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَ [كُلُّ] حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْهُ، أَلَا فَادْكُرُوا وَ احْفَظُوا وَ تَرَضُّوا وَ لَا تُبَدِّلُوهُ وَ لَا تُعَيِّرُوهُ.

هر حلالی که من شما را بدان رهنمون ساختم و هر حرامی که شما را از آن بازداشتم، از آن باور روگردان نشدم و آن را تبدیل به دیگری نکردم. بیدار باشید و (حلال و حرام را) یادآور شوید و

ص: ۱۳

حفظ کنید و بدان راضی باشید و آن را به دیگری تبدیل نکنید و تغییر ندهید.

سپس فرمود:

وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمُّرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، أَلَا- وَإِنَّ رَأْسَ أَعْمَالِكُمُ الْمَأْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَعَرِّفُوا مَنْ لَمْ يَحْضُرْ مَقَامِي وَيَسْمَعْ مَقَالِي هَذَا، فَإِنَّهُ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ، وَلَا أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا نَهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

و نماز را اقامه کنید و زکات را بپردازید، امر به معروف و نهی از منکر کنید. آگاه باشید که بنیان و سرور اعمال شما، امر به معروف و نهی از منکر است بنابراین به آنانی که اکنون حاضر نیستند و سخن مرا نمی شنوند، این پیام مرا بشناسانید زیرا که (ابلاغ) آن به فرمان خداوند، پروردگار من و شماست و هیچ امر به معروفی و نهی از منکری

ص: ۱۴

نیست مگر همراه با امام معصوم.

یعنی امر به معروف و نهی از منکر، هرگز مقرر و محقق نمی شود مگر با ایمان و معرفت و طاعت نسبت به امام و ولی معصوم، مگر همراه با ولایت و قبول امامت و زعامت ولی معصوم. این فرازی بسیار ارزشمند از فرمایش رسول الله است که توجه بسیار می طلبد، برای فهمیدن آن، به خاطر بیاوریم کلام سیدالشهداء علیه السلام را که درباره انگیزه قیام خویش نوشتند:

وَ أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْتَرًا وَلَا بَطِرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّهِ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أُرِيدُ أَنْ
أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُسِيرَ بِسِيرِهِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. (۱)

من برای سرکشی، خوش گذرانی، فساد و ظلم (از

ص: ۱۵

مدینه) بیرون نیامدم (و قیام نکردم) بلکه به منظور اصلاح در میان امت جدم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، قیام نمودم. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و مطابق با سیره جدم رسول خدا و پدرم علی بن ابی طالب رفتار نمایم.

ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین اصل معروف هستند معروف آن است که از ایشان آغاز و به ایشان منتهی شود، یعنی ورودگاه تمام خوبی ها، زانو زدن به درگاه امام و پایان آن، سر تسلیم فرود آوردن در برابر امام است؛ اصل منکر نیز دشمنان ائمه هستند. اگر سیدالشهداء فرمودند می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم، مهجور شدن معروف و معمول شدن منکر با کنار نهادن امام معصوم و پذیرش ولایت غیر معصوم، محقق گشت؛

اینجاست که می فهمیم جایگاه قیام در برابر یزید لعنه الله،

ص: ۱۶

تنها مختص و ویژه سیدالشهداء علیه السلام و تنها سزاوار و شایسته ایشان است زیرا پرچم فرازمند امر به معروف و نهی از منکر، تنها در کف امام معصوم قرار دارد.

به همین جهت است که کربلا- صحنه رویارویی حق و باطل است و اینجاست که امر به معروف و نهی از منکر، جلوه نموده و معروف و منکر به تمام معنا خود را ابراز می دارند؛ تا چه بینش ورزد بیننده و چه حکم کند شنونده و چه عمل کند عامل.

غدیر و یاس کفار

ص: ۱۷

از نتایج بسیار مهم غدير، یاس کافران است. رسول الله ۲۳ سال ابلاغ رسالت فرمود، خداوند تعالی در هیچ یک از مواقع و مواضع نفرمود کافران ناامید شدند، اما درباره غدير می فرماید:

الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (۱)

امروز کافران از دین شما مأیوس شدند بنابراین از آنان نهراسید و تنها از (نافرمانی) من بترسید. امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خویش بر شما تمام داشتم و برای شما این اسلام

۱- سوره (۵) المائده آیه ۴.

ص: ۱۸

(یعنی اسلام همراه با ولایت ائمه اطهار) را به عنوان دین پسندیدم (و بدان راضی شدم).

خداوند نمی فرماید از شما مأیوس شدند، بلکه می فرماید از دین شما مأیوس شدند و این نشان می دهد که کافران برای نابود ساختن اسلام، نقشه ها و توطئه های بسیاری در سر داشتند. اندیشه کفار چنین بود که چون پیامبر از دنیا برود، دین او نیز از میان می رود. در غدیر چه رخ داد که کافران را ناامید ساخت؟ روز غدیر، امامت و زعامت ائمه اهل بیت علیهم السّلام اعلام شد و پیامبر بر این موضوع از مردم بیعت گرفتند. شمار بیعت کنندگان ۱۲۰ هزار نفر بوده است که جمعیت زیادی است.

اعلان خلافت و امامت مولانا امیرالمؤمنین سلام الله علیه و برقراری نظام امامت برای اداره دین و دنیا و البته آخرت مردم، موجب یأس و ناامیدی کفار شد. در واقع بدین وسیله

تمام نقشه های کافران از اساس نابود گردید.

در مناقب ابن شهر آشوب علیه الرّحمه می خوانیم که پیامبر مدت زمانی بود که از وفات خود سخن به میان می آورد و می فرمود: وَ قَدْ حَانَ مِنِّي خُفُوقٌ مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِكُمْ هَمَانًا غَيْبَ نَمُودَن (رحلت) من از میان شما نزدیک شده است. و منافقین می گفتند: «اگر محمّد صلی الله علیه و آله بمیرد، به یقین دین او تباه و نابود خواهد شد» (یعنی اضافه بر کافران، منافقان نیز به نابودی اسلام طمع داشتند) چون غدیر رخ داد، گفتند: «نقشه ما نقش بر آب شد» و آیه کریمه «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا...» نازل شد. (۱)

اما آیا کافران از مسلمان نماها مأیوس شدند؟ در آیه شریفه آمده است از دین شما ناامید شدند، دینی که اساس

ص: ۲۰

آن، امامت مولانا امیرالمؤمنین و ائمه اهل بیت است، کافران از تعرّض به دین با ولایت شما مأیوس شدند. کافران از تعرّض به کسانی مأیوس گشتند که متدین به دین با ولایت هستند. آنان که در مسیر اهل بیت هستند، کسانی که نام مقدّس آنان «شیعه آل محمّد» و یا «آل محمّد» است: در تفسیر عیاشی از جابر از امام باقر علیه السلام است که درباره این آیه کریمه فرمودند:

يَوْمَ يَقُومُ الْقَائِمُ عَجَلَ اللَّهُ فَرَجَهُ يَيْسَ بَنُو أُمِّيَّهَ فَهُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا يَيْسُوا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (۱)

روزی که قائم آل محمّد عجل الله فرجه قیام کند؛ بنی امیّه ناامید می شوند؛ آنان هستند که نسبت به ولایت ائمه کافر و از (نابود ساختن) «آل محمّد» علیهم السلام مأیوس شدند.

۱- تفسیر العیاشی: جلد ۱ صفحه ۲۹۲ حدیث ۱۹.

ص: ۲۱

امروزه یأس کافران را مشاهده می‌کنیم. اکنون کافران به تمامی فرق طمع دارند و بر همه غالب بوده و هستند؛ تنها یک فرق است که از دست اندازی آنان در امان است و آن فرق ناجیه شیعه اثنی عشریه امامیه است و تا زمانی که شیعیان در معرفت و طاعت پیرو ولایت اهل بیت باشند، برای کافران هیچ امیدی برای دست اندازی در دین ایشان و در شخص ایشان نیست.

بنابراین یأس کافران از دین اسلام، به معنای یأس کامل آنان به مؤمنان نسبت به این دین است؛ لکن به مردم طمع داشتند و طمع آنان بیجا نبود. از میان تمام کسانی که با رسول الله بیعت کردند، چند نفر ثابت قدم مانده و خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند؟ احادیث می‌گوید سه یا چهار نفر.

ص: ۲۲

عليه السلام قال: ارْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَّا ثَلَاثَةً نَفَرٍ: الْمُقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَأَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ وَسَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ، ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ عَرَفُوا وَلَحِقُوا بَعْدُ.

الاختصاص: صفحه ۶- ... عن عمرو بن ثابت قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمَّا قُبِضَ ارْتَدَّ النَّاسُ عَلَى أَعْقَابِهِمْ كُفَّارًا إِلَّا ثَلَاثًا: سَلْمَانُ وَ الْمُقْدَادُ وَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ، إِنَّهُ لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جَاءَ أَرْبَعُونَ رَجُلًا إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالُوا: لَا- وَاللَّهِ لَا نُعْطِي أَحَدًا طَاعَةً بَعْدَكَ أَبَدًا. قَالَ: وَلِمَ؟ قَالُوا: إِنَّا سَمِعْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِيكَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ. قَالَ: وَتَفْعَلُونَ؟ قَالُوا: نَعَمْ. قَالَ: فَأَتُونِي غَدًا مُحَلِّقِينَ. قَالَ: فَمَا أَتَاهُ إِلَّا هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةُ. قَالَ: وَجَاءَهُ عَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ بَعْدَ الظُّهْرِ فَضَرَبَ يَدَهُ عَلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ لَهُ: مَا لَكَ أَنْ تَسْتَيْقِظَ مِنْ نَوْمِهِ الْغَفْلَةِ؟! ارْجِعُوا فَلَا حَاجَةَ لِي فِيكُمْ، أَنْتُمْ لَمْ تُطِيعُونِي فِي حَلْقِ الرَّأْسِ فَكَيْفَ تُطِيعُونِي فِي قِتَالِ جِبَالِ الْحَدِيدِ، ارْجِعُوا فَلَا حَاجَةَ لِي فِيكُمْ.

ص: ۲۳

مردم در لحظه امتحان، خود را کنار کشیدند و جا زدند. در برخی نقل ها آمده که بسیاری حق را از باطل نشناختند، به دنبال حق نبودند و تا ۶ ماه نزد امیرالمؤمنین نیامدند.

هم چنان که در لحظه امتحان، بسیاری سیدالشهداء را تنها گزاردند؛ یا پلک بستند یا دیر کردند... آنان که دیر کردند، نرسیدند و آنان که پلک بستند، به فتح دست نیافتند... تنها آنانی که ره به راه مولا سپردند، رستگار شدند.

خداوند در ادامه آیه به شیعیان اهل بیت، اطمینان می دهد که از کافران نهراستند و بر دین خود استوار بمانند:

فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ

بنابراین از کافران ترسید و تنها از (نافرمانی) من بترسید.

غدير و غدر شیطان

ص: ۲۵

شیطان به خوبی می دانست که ولایت، تا چه اندازه با فریب ها و نیرنگ های او در تضاد است و به همین جهت؛ «غدير» شیطان را نیز ناامید ساخت در حالی که پیش از ماجرای غدير، بسیار جولان می داد. در کتاب شریف قرب الإسناد، امام صادق علیه السلام از پدرشان امام باقر علیه السلام نقل می کنند که فرمودند:

إِنَّ إِبْلِيسَ عَدُوُّ اللَّهِ رَنَّ أَرْبَعَ رَنَاتٍ: يَوْمَ لُعِنَ، وَ يَوْمَ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ، وَ يَوْمَ بُعِثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

ص: ۲۶

آلِه وَ یَوْمَ الْغَدیرِ (۱)

ابلیس، دشمن خداوند، چهار مرتبه با فریاد گریه سر داد: روزی که مورد لعنت (خدا) قرار گرفت، روزی که به زمین پایین آورده شد، روزی که رسول الله صلی الله علیه و آله مبعوث شدند و روز غدیر.

روزهای شیون ابلیس، روزهایی که ابلیس ناله سر داد و شیون کرد، از این قرار است، اما او هرگز از تلاش نایستاد، حتی در واقعه غدیر هم مترصد و حریص بود. یکی دیگر از آیاتی که درباره واقعه غدیر و ماجرای آن نازل شد، این کلام خداوند تبارک و تعالی است:

وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنْ

۱- قرب الإسناد: صفحه ۹ حدیث ۳۰.

ص: ۲۷

المؤمنین (۱)

و به راستی ابلیس اندیشه خویش را درباره آنان محقق نمود و جز گروهی از مؤمنان، همگی او را پیروی کردند.

اندیشه ابلیس چه بود؟ این اندیشه او، درباره کدام یک از اطرافیان رسول الله بود و در کجا محقق گشت؟ چه زمانی ابلیس از ناامیدی بیرون آمد؟ در تفسیر شریف قمی به سند از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمودند:

لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ أَنْ يَنْصِبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلنَّاسِ فِي قَوْلِهِ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلِيٍّ بِغَدِيرِ خُمٍّ»، فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، فَجَاءَتِ الْأَبَالِسَةُ إِلَى إِبْلِيسَ الْأَكْبَرِ وَحَثُوا التُّرَابَ عَلَى رُءُوسِهِمْ، فَقَالَ لَهُمْ إِبْلِيسُ: مَا لَكُمْ؟ فَقَالُوا: إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ قَدْ عَقَدَ الْيَوْمَ عُقْدَهُ لَا يَحُلُّهَا

۱- سوره (۳۴) سبأ آیه ۲۱.

ص: ۲۸

شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَقَالَ لَهُمْ إِبْلِيسُ: كَلَّا إِنَّ الَّذِينَ حَوَّلَ قَدْرَ وَعِيدُونِي فِيهِ عِدَّةً لَنْ يُخْلِفُونِي، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ: وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ... .

هنگامی که خداوند در آیه تبلیغ «يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...» به پیامبرش امر نمود که امیرالمؤمنین را برای (امامت بر) مردم نصب کند و رسول الله فرمود «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ»، شیاطین همه نزد ابلیس اکبر آمدند و بر سر خود خاک ریختند (کاری که شیاطین هرگز انجام نداده بودند). ابلیس به آنها گفت: چه اتفاقی افتاده است؟ گفتند: این مرد (یعنی وجود گرامی رسول الله) امروز چنان گره ای زد که هیچ کس تا روز قیامت نمی تواند آن را باز کند (بدین معنا که کار را محکم کرد). ابلیس گفت: نه، چنین نیست، کسانی که پیرامون پیامبر هستند، وعده هایی به من داده اند مبنی بر اینکه

ص: ۲۹

با من مخالفت نداشته باشند. در آن هنگام آیه دیگری از قرآن نازل شد «وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ یعنی گمانه زنی ابلیس درباره آنان درست بود» (۱).

همچنین در روضه کافی، از جابر از امام باقر علیه السلام آمده است که فرمودند:

وقتی پیامبر در روز غدیر برای امیرالمؤمنین پیمان گرفت، ابلیس در میان لشکر خود فریاد بلندی سر داد، طوری که تمامی شیاطین او، چه در دریا و چه در خشکی، همگی نزد او آمدند. گفتند: ای سرور ایشان مولای ایشان، هرگز فریادی وحشتناک تر از فریاد امروز، از شما نشنیدیم؟ گفت: «پیامبر کاری کرد که اگر این کار تمام شود (مردم به این بیعت پای بند باشند)

خداوند هرگز نافرمانی نشود». گفتند: تو آدم را چنین و چنان کردی، چرا ناراحت هستی؟

هنگامی که منافقین گفتند: «پیامبر از هوای نفس خود سخن می گوید» (علی را دوست دارد فامیل اوست پس معمولی اوست داماد اوست به او خدمت کرده است، پیامبر برای همین و از روی هوای نفس، او را جانشین خود می کند). و یکی دیگر از آنها به همراهش گفت: «نمی بینی چشم های او چطور می گردد؟ گویا مجنون شده است» و منظورش رسول الله صلی الله علیه و آله بود. در این هنگام شیطان فریادی (از روی شادی) سر داد. اولیاء (دوستان و پیروان) خود را جمع کرد و گفت: «می دانید من چه بر سر آدم آوردم و او را از بهشت بیرون کردم؟» گفتند: بله. گفت: «آدم نقض عهد کرد در حالی که نسبت به پروردگار کافر نشد ولی اینان نقض عهد کردند و نسبت به

ص: ۳۱

رسول کافر شدند (عصمت و ولایت رسول الله را انکار کردند)، به او نسبت (پیروی از) هوا (ی نفس) دادند، نسبت جنون دادند و بدین سبب کافر شدند».

وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند و مردم دیگری را به جای مولا علی قرار دادند، ابلیس تاج پادشاهی بر سر نهاد و منبری برپا کرد و بر آن نشست و سواره و پیاده لشکر خود را جمع کرد و به آنها گفت: «اظهار طرب کنید، بزنید و برقصید و شادی کنید که دیگر تا وقتی امام (مهدی سلام الله علیه) به پا خیزد، خداوند اطاعت نشود».

سپس امام باقر علیه السلام این آیه را تلاوت فرمودند: «وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِهِ رَاسِیَ ابْلِیْسُ گمانش را درباره آنان محقق نمود و جز گروهی از

مؤمنان، همگی او را پیروی کردند» (۱).

۱- الکافی: جلد ۸ صفحه ۳۴۴ حدیث ۵۴۲... عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: لَمَّا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِيَدِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْغَدِيرِ صَرَخَ إِبْلِيسُ فِي جُنُودِهِ صَرَخَةً فَلَمْ يَبْقَ مِنْهُمْ أَحَدٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا أَتَاهُ فَقَالُوا: يَا سَيِّدَهُمْ وَمَوْلَاهُمْ! مَاذَا دَهَأَكَ؟ فَمَا سَجَعْنَا لَكَ صَرَخَةً أَوْحَشَ مِنْ صَرَخَتِكَ هَذِهِ؟ فَقَالَ لَهُمْ: فَعَلَ هَذَا النَّبِيُّ فِعْلًا إِنْ تَمَّ لَمْ يُعْصِ اللَّهُ أَبَدًا. فَقَالُوا: يَا سَيِّدَهُمْ! أَنْتَ كُنْتَ لِآدَمَ! فَلَمَّا قَالَ الْمُتَنَافِقُونَ: إِنَّهُ يُنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ وَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ: أَمَا تَرَىٰ عَيْنَيْهِ تَدُورَانِ فِي رَأْسِهِ كَأَنَّهُ مَجْنُونٌ؟ يَغْنُونُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَرَخَ إِبْلِيسُ صَرَخَةً بَطَرَبٍ فَجَمَعَ أَوْلِيَاءَهُ فَقَالَ: أَمَا عَلِمْتُمْ أَنِّي كُنْتُ لِآدَمَ مِنْ قَبْلُ؟ قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: آدَمُ نَقَضَ الْعَهْدَ وَلَمْ يَكْفُرْ بِالرَّبِّ وَهُؤُلَاءِ نَقَضُوا الْعَهْدَ وَكَفَرُوا بِالرَّسُولِ. فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَقَامَ النَّاسُ غَيْرَ عَلِيٍّ لِبَسَ إِبْلِيسُ تَاجَ الْمُلْكِ وَنَصَبَ مِثْرًا وَقَعِدَ فِي الْوُثْبَةِ وَجَمَعَ خَيْلَهُ وَرَجُلَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: اطْرَبُوا، لَا يُطَاعُ اللَّهُ حَتَّى يَقُومَ الْإِمَامُ وَتَلَا أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ».

ص: ۳۳

بنابر این حدیث شریف، واقعه غدیر پیام بسیار مهمی دارد: اگر ولایت را پیروی کنیم، یعنی معرفت کسب کنیم و توقف نکرده، به دنبال طاعت باشیم، هرگز دست به معصیت آلوده نخواهیم کرد. ارتکاب معاصی، به دلیل ضعف معرفت و عدم قرار و ثبات معرفت است و گرنه معرفت، طاعت را به دنبال خود دارد. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ، وَلَا مَعْرِفَةَ إِلَّا بِعَمَلٍ؛ فَمَنْ عَرَفَ دَلَّتْهُ الْمَعْرِفَةُ عَلَى الْعَمَلِ، وَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ فَلَا مَعْرِفَةَ لَهُ. (۱)

خدا هیچ عملی را نمی پذیرد مگر اینکه براساس

۱- الکافی: جلد ۱ صفحه ۴۴ باب من عمل بغیر علم حدیث ۲.

ص: ۳۴

معرفت باشد و هیچ معرفتی را نمی پذیرد جز اینکه قرین با عمل باشد. بنابراین هرکس معرفت یابد، آن معرفت او را به سوی انجام عمل صالح رهنمون می شود و همانا آن کس که (ادعای معرفت داشته باشد ولی) عمل صالح انجام ندهد، (در حقیقت) هیچ معرفتی ندارد.

در حدیث دیگری آمده است که امیرالمؤمنین سلام الله علیه از سلمان پرسیدند:

یا سَلْمَانُ!... هَلْ تَدْرِي مَنْ أَوَّلُ مَنْ بَايَعَهُ حِينَ صَعِدَ الْمُبْتَر؟ قُلْتُ: لَا. وَلَكِنْ رَأَيْتُ شَيْخًا كَبِيرًا يَتَوَكَّأُ عَلَى عَصَاهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ سَجَادَةً شَدِيدَةً التَّشْمِيرِ صَعِدَ الْمُبْتَرِ أَوَّلَ مَنْ صَعِدَ وَخَرَّ وَهُوَ يَبْكِي وَيَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُمَتِّنِي حَتَّى رَأَيْتُكَ فِي هَذَا الْمَكَانِ ابْسِطْ يَدَكَ، فَبَسَطَ يَدَهُ فَبَايَعَهُ ثُمَّ قَالَ: يَوْمَ كَيْومِ آدَمَ ثُمَّ نَزَلَ فَخَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ. فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سَلْمَانُ! أَتَدْرِي مَنْ هُوَ؟ قُلْتُ: لَا وَ لَقَدْ سَأَلْتَنِي

ص: ۳۵

مَقَالَتُهُ كَأَنَّهُ شَامِتٌ بِمَوْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِنَّ ذَلِكَ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ... .

سلمان... آیا می دانی نخستین کسی که با ابوبکر بیعت کرد آنگاه که بر منبر (رسول الله) بالا رفت، که بود؟ گفت: نه، ولی پیرمردی سالخورده را دیدم که بر عصای خویش تکیه کرده و میان دو چشمش جای سجده بود و جای سجده اش پینه ای بریده داشت. بر منبر بالا-رفت و او نخستین کسی بود که از منبر بالا-رفت، تعظیم کرد و در حالی که می گریست، گفت: سپاس خدایی را که مرا نمیراند تا اینکه تو را در این جایگاه دیدم. برای بیعت دست بگشا. (ابوبکر) دست گشود و وی با او بیعت کرد. سپس گفت: روزی است مانند روز آدم. بعد پایین آمد و از مسجد بیرون رفت. امام علی علیه السلام

ص: ۳۶

فرمود: سلمان، آیا می دانی او کیست؟ (سلمان گوید) عرض کردم: نه، ولی سخن او مرا ناراحت کرد، گویا نسبت به مرگ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، شماتت می ورزید. امام علی علیه السلام فرمود: پس به راستی که او ابلیس است که لعنت خداوند بر او باد.... (۱)

بنابراین شیطان از همه کسانی که با رسول الله و مولانا امیرالمؤمنین بیعت کردند، ناامید نشد، زیرا در میان آنان عده ای بودند که ولایت را نپذیرفتند هم چنان که از تمامی بیعت کنندگان با امام شهیدمان، ناامید نشد؛

تنها راه کنار زدن سلطه شیطان و ناامید کردن او، ایمان به ولایت معصومین و پیروی مطلق از ولی معصوم است؛ در روز عاشورا، تنها دستانی بر دامان سیدالشهداء چنگ زدند،

۱- کتاب سلیم بن قیس الهمالی: جلد ۲ صفحه ۵۷۷ حدیث ۴.

ص: ۳۷

که ولایت امام را تمام و کمال پذیرفتند و خود را برای او خواستند و نه او را برای خود؛ تعدادی معدود که بسیار با جمع دعوت کنندگان و بیعت کنندگان (با سفیران امام)، متفاوت بودند... این یعنی صرف مکاتبه و مصافحه، ضمان وفا و فلاح نیست...

غدیر و انحرافات

ص: ۳۹

۱- غصب بخشی از ولایت و امامت که ممکن است در نگاه اول، تنها به صورت غصب «حکومت ظاهری» به چشم بیاید، اما تنها این نیست؛ «غاصبان» نه تنها حکومت ظاهری را غصب کردند؛ بلکه نسبت به تمام دین متعرض شده و در رهبری دین دست بردند، هدف از غصب خلافت؛ غصب حکومت ظاهری نبود بلکه به انحطاط کشیدن دین و منحرف نمودن آن از محتوا و معنای حقیقی آن بود و به همین منظور تحریفات بسیاری در دین وارد کردند، چنان که «دین» تهی گشت و بی معنا شد و مسلمانان در تمامی ابعاد، دچار افت و

ص: ۴۰

افول شدند.

۲- آنچه در گذشته واقع شده بود، سفارشات رسول الله در غدیر و بیعت گرفته شده از مسلمانان، همگی مانع غاصبان برای رسیدن به اهداف شوم و پلیدی بود که در سر داشتند و لازمه اتمام کار، نبود ساختن غدیر به زر و زور و تزویر بود چنان که آنچه نشانی از غدیر دارد، از میان برود، و در این راستا تلاش بسیاری نیز صورت دادند.

۳- گام بعدی تحریف غدیر و لازمه آن، ایجاد بنیان فکری و اعتقادی است. آشکار است که تا وقتی از دین علیه دین بهره نمی گرفتند؛ هرگز نمی توانستند مردم را از امیرالمؤمنین علیه السلام و خاندان رسالت دور نمایند. و این چنین هجوم شبهه ها از همان ابتدای امر آغاز شد.

هرچند که اهل بیت علیهم السلام و سپس شیعیان ایشان،

ص: ۴۱

با ارائه پاسخ‌های قاطع، همواره درصدد دفع و رفع شبهه‌ها برآمدند، اما هنوز که هنوز است، شیعه با مخالفان غدیر درگیر است، و این طبیعی است؛

حق همواره موافقانی دارد و مخالفانی، جایگاه موافقان که آشکار است اما مخالفان که به حَقّانیت حق، آگاه و گواهند اما پیرو آن نیستند، اینان هستند که رگبار شبهه‌ها را به جان حق بسته و لحظه‌ای دست از کار نمی‌کشند.

به عنوان مثال می‌توان به شبهه‌ای اشاره کرد که در رابطه با معنای واژه «مولی» در عبارت «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» وارد نمودند که «مولا» در اینجا به چه معناست؟

ولی هجوم شبهه‌ها به اینجا نیز ختم نشد، بلکه تحریف محتوای غدیر، تا مرز نابودی آن پیش رفت.

۴- می‌توان گفت بزرگ‌ترین تحریف و خطرناک‌ترین بلا،

منحط شدن باورهای غدیریان و گرفتار شدن ایشان به غلو یا تقصیر است. آشکار است که همواره اندیشه های بیداری وجود دارند که نسبت به خطر نابودی غدیر هشیار باشند و بدانند غصب خلافت، ملزم به دروغ پردازی و افترا به خدا و رسول است. این اذهان بیدار، می دانند که ادامه این زنجیر، حلال جلوه دادن حرام و حرام جلوه دادن حلال است و چون ابتدای امر را می شناسند و دانسته اند که «خانه از پای بست ویران است» فریب این دسته را نخواهند خورد، اما...

دشمنان دین برای فرد فرد جامعه دینی، روشی خاص دارند تا وقتی هریک، از گرفتار شدن به مجموعه ای از آفات، خاطر جمع شد، به آفت های عمیق تری مبتلا شود، بدون اینکه بدانند. و اینجاست دشواری های سخت و سختی های دشوار...

ص: ۴۳

«نصب عداوت» به معنی دشمنی با خاندان عصمت بوده و کسی که مدّعی نصب عداوت نسبت به اهل بیت طهارت است «ناصبی» نامیده می شود. چنین فردی آشکارا از جرگه شیعیان بیرون است و به یقین شیعه بیدار و آگاه، هرگز فریب ناصبی را نخواهد خورد.

«تقصیر» به معنای کوتاهی نمودن درباره نقش و جایگاه اهل بیت عصمت علیهم السّلام است. «مقصرین» درباره اهل بیت کوتاهی کرده و جایگاه ایشان را مانند و یا شبیه به جایگاه یک فرد معمولی می دانند. باید دانست که تقصیر، نخست اینکه کمتر رخ می دهد و در صورت وقوع نیز کمتر موجب انحطاط محتوا می شود، زیرا «مقصرین» محتوا را چنان که بایسته است نمی پذیرند، اما درباره «غلو»؛

«غلو» راجع به اهل بیت، فراتر از حق و واقع نشان دادن

ص: ۴۴

شخص ایشان، ویژگی ها و جایگاه های ایشان است. اهل غلو، مدّعی پذیرش غدیر و تمام درون مایه آن هستند. داعیان غلو، کسانی هستند که خود را مسلمان و بالأخص شیعه مولی الموحّدین مولانا امیرالمؤمنین و ائمّه معصومین می دانند، می نامند و معرفی می کنند و اینجاست که محتوای غدیر، دچار دست اندازی و دگرگونی می شود... خدا برسد به داد غدیر و محتوای آن...

«نواصب»، «مقصرین» و «غالیان»، همه به دین ضربه زدند و به آل محمد صلی الله علیهم اجمعین ظلم کردند، اما «غالیان»، آنان که به راه غلو رفتند، ضربه ای به مراتب سهمگین تر بر پیکره اسلام وارد نمودند و در زمان حال نیز تبلیغ آموزه های شیطانی خویش را، با طرح های نوینی دنبال می کنند.

ص: ۴۵

البته آشکار است که پیامبر عظیم الشان اسلام و اهل بیت صلوات الله علیهم، اختصاصاتی ویژه و ویژگی های خاصی دارند که هیچ کس جز ایشان، از آن برخوردار نیست که از جمله، طهارت مطلق و مطلق طهارت است:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (۱)

همانا خداوند اراده فرموده است که هر گونه پلیدی (زشتی و ناپاکی) را از شما ببرد و تنها شما اهل بیت را به طهارتی ویژه، مخصوص گرداند.

خداوند، نیکوترین برگزیدگان را پیشوای همه آفریدگان قرار داده است و هرگز هیچ یک از مخلوقات فراتر از آنان نبوده، نیست و نخواهد بود، در هیچ زمان و زمینه، بنابراین صرف فضیلت قائل شدن برای اهل بیت علیهم السلام و

ص: ۴۶

تفضیل ایشان بر سایر مخلوقات، غلو نیست.

از طرفی نیز لازمه شناخت غلو و پرهیز از آن، شناخت مصادیق غلو است. برنامه ای که از جانب خداوند برای امامت و زعامت امت عملی شد، هیچ عیب و نقصی ندارد و ائمه اطهار علیهم السلام هرگز غفلت نورزیده و پیروان خود را در وادی حیرت رها نکرده اند و چنان که از غلو نهی شده، مصادیق آن نیز بیان شده است تا شیعیان بدانند، بشناسند و عمل کنند. و البته که جایگاه بیان حکم الهی، مختص این خاندان پاک است و تنها مصداقی حجت واقع می شود که از جانب ائمه بیان شود، و لا غیر.

درک پیام غدیر، نیاز اکنون و امروز ماست، مهم نیست دیگران چه می گویند، مهم «دین» است که نباید ضایع شود، همان حکمی که ائمه اهل بیت علیهم السلام بیان می فرمایند.

غلو و غالیان

ص: ۴۷

بیشتر کسانی که درباره اهل بیت علیهم السّلام «غلو» می کردند؛ ایشان را پیامبر می دانستند، یا وجود گرامی ائمه را در عرض خداوند تبارک و تعالی قرار می دادند یا برای ایشان نحوی از استقلال در خالقیت، رازقیت، علم یا قدرت قائل بودند، البته چه بسا این باور را باصراحت مطرح نکرده و نمی کنند؛ چنان چه اخیراً اظهار نموده اند که ائمه اطهار، نه در طول خدا هستند و نه در عرض خدا!!!! حال آنکه اهل بیت علیهم السّلام، با تأکیدات مکرّر، خود را در طول خداوند تبارک و تعالی قرار داده اند، هستی و قدرت خویش را به

ص: ۴۸

خدا باز می گردانند و هرگز جایگاه خود را در عرض خداوند و یا یک حالت سؤم بیان نفرموده اند.

برخی از غلات صراحتهً اعلام می کنند اهل بیت بالاستقلال خالق هستند؛ در حالی که با توجه به فرمایشات ائمه علیهم السلام، ایشان خلق می کنند اما باذن الله نه مستقل از خداوند.

اهل بیت علیهم السلام رازق هستند یعنی سبب و وسیله رزق هستند ولی غلات صراحتهً بیان می کنند که اهل بیت، بدون هیچ وابستگی به خدا و مستقل از الله تعالی، مخلوقات را روزی می دهند.

اهل غلو معتقدند که علم اهل بیت، علم کامل و مطلق است و خداوند تمام علم خود، هرچه می داند، همه را به ایشان داده است، حال آنکه اهل بیت علیهم السلام در احادیث بسیاری می فرمایند علم ایشان نسبت به سایر مخلوقات،

کامل است ولی به درگاه الهی، نیازمند هستند و خداوند تعالی هرچه علم ابداع و خلق می فرماید، لحظه به لحظه، به اهل بیت عطا می کند و علم ایشان، پیوسته رو به فزونی است.

برخی از غلات تصریح می کنند که مقام امیرالمؤمنین از پیغمبر نیز بالاتر است. برخی امیرالمؤمنین سلام الله علیه، ائمه علیهم السلام را مانند خداوند قدیم می دانند، می گویند: «شما هستید که گمان می کنید اهل بیت نبودند و سپس خلق شده و به وجود آمدند؛ برای کسانی که ظرفیت و توان فهم حقیقت را نداشتند، چنین بیان شده و گر نه حقیقت این ها همیشه بوده و هست و خواهد بود». البته برخی گام فراتر نهاده و می گویند: «امیرالمؤمنین علیه السلام نعوذ بالله همان خداوند عزوجل است، لکن شما ایشان را در قالب بشر می بینید، حقیقت ایشان همان الله تعالی است». گاهی نیز به

ص: ۵۰

همه اهل بیت، نسبت خدایی می دهند یا اهل بیت علیهم السّلام را صادره از ذات الهی یا در ذات خدا می دانند و یا حالت سوّمی به نام «خَلْق» برای ایشان قائل می شوند؛

این همه در حالی است که توحید به معنای یگانه خواندن الله تبارک و تعالی است در ذات و صفات و کسی که به آن ایمان ندارد، مسلمان و موحد نیست. چنین باورهایی، آشکارا با آیات قرآن کریم با امر اهل بیت، در تضاد است. ائمّه علیهم السّلام چنان چه در ادامه خواهیم دید بارها فرمودند «ما بندگان خدا هستیم، ما را خدا نخوانید و ندانید، بلکه ما را بندگان خدا بنامید و بدانید».

برخی از فِرَق غُلّات، قائل به تفویض بوده اند بدین معنا که خداوند هر چه آفریده، همه را به اهل بیت واگذار کرده است و آنها بالاستقلال هر چه اراده کنند، انجام می دهند.

ص: ۵۱

در واقع، تمام سخن، جایگاه اهل بیت علیهم السّلام نسبت به خداوند است؛ همان چیزی که جز ساحت والای عترت، هیچ کس، درباره آن سخنی ندارد... قائلین این اقوال، در حقیقت خود را از ائمه معصومین نیز فراتر می دانند؛ گویا در زمان آفرینش این اولین و برترین مخلوقات، با خدا همراه و شاهد خلقت ایشان بوده اند که این چنین جسورانه جرأت به کلام یافته اند!!!

هرچند در ادامه، خود به این حقیقت پی می برید ولی ناگفته نماند که فراتر از واقع نشان دادن شخص اهل بیت یا ویژگی های ایشان، درک روشن و شفاف جایگاه ایشان نیست بلکه تخلف از راه حق، رو تافتن از فرمان حق و بیرون شدن از مسیری است که دستور به پیمودن آن داریم.

قرآن، معصوم و غلو

ص: ۵۳

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم و اهل بیت نبوت علیهم السلام در احادیث دربار خویش، به شدت خطر غلو اشاره کرده و مؤمنان را از آلودگی به آن بازداشته اند. در نگاه دین، اعتقاد به هر نوعی از غلو، کفر و شرک معرفی شده است، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند:

مَنْ شَبَّهَ اللَّهَ بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ، وَمَنْ وَصَفَهُ بِالْمَكَانِ فَهُوَ كَافِرٌ، وَمَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ مَا نَهَى عَنْهُ فَهُوَ كَاذِبٌ. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

ص: ۵۴

بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (۱).

هرکس خداوند را به آفریدگانش شباهت دهد، بی تردید مشرک شده و هرکس خداوند را به (قرار گرفتن در) مکان توصیف کند به یقین کافر است و هرکس آنچه را (خداوند) از آن نهی فرموده به او نسبت دهد، بی تردید دروغگوست. سپس امام این آیه را تلاوت فرمودند: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» تنها کسانی (به خدا و پیامبر) افترا بسته، نسبت دروغ می دهند که به آیات الهی ایمان نمی آورند، همانا آنان دروغگویان هستند».

خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ) (۲) (وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ) (۳)

۱- التوحید: صفحه ۶۸ حدیث ۲۵.

۲- سوره (۲۲) الحج آیه ۹ و سوره (۳۱) لقمان آیه ۲۱.

۳- سوره (۲۲) الحج آیه ۴.

ص: ۵۵

در فرمایشات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهار علیهم السّلام، این اندیشه ها و باورها، طرد شده است. خداوند در قرآن کریم از غلو نهی می کند، پیامبر، غالیان را انکارکنندگان حق توصیف می کند و امیرالمؤمنین از آنان بیزار است: قرآن کریم در جریان حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السّلام و اینکه نصاری (مسیحیان)، ایشان را فرزند خدا می خواندند، در دو آیه صراحتاً از غلو درباره ایشان نهی می فرماید:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ (۱)

ای اهل کتاب؛ در دین خویش غلو نکنید.

و رسول الله صلی الله علیه و آله به مولانا امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند:

۱- سورة النساء آیه ۱۷۱ و سورة المائدة آیه ۷۷.

ص: ۵۶

يَا عَلِيُّ! مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي مَثَلُ الْمَسِيحِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ افْتَرَقَ قَوْمُهُ ثَلَاثَ فِرَقٍ، فِرْقَةٌ مُؤْمِنُونَ وَ هُمْ الْخَوَارِئِيُّونَ، وَ فِرْقَةٌ عَادُوهُ وَ هُمْ الْيَهُودُ، وَ فِرْقَةٌ غَلَوْا فِيهِ فَخَرَجُوا عَنِ الْإِيمَانِ، وَ إِنَّ أُمَّتِي سَيَتَفَرَّقُ ثَلَاثَ فِرَقٍ؛ فِرْقَةٌ شِيعَتُكَ وَ هُمْ الْمُؤْمِنُونَ، وَ فِرْقَةٌ أَعْدَاؤُكَ وَ هُمْ الشَّاكُّونَ، وَ فِرْقَةٌ غُلَاةٌ فِيكَ فَهُمْ الْجَاهِلُونَ، وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَ شِيعَتُكَ وَ مُحِبُّو شِيعَتِكَ فِي الْجَنَّةِ، وَ أَعْدَاؤُكَ وَ الْغُلَاةُ فِي مَحَبَّتِكَ فِي النَّارِ. (۱)

یاعلی، همانا مثل تو در میان امت من، مثل مسیح، عیسی بن مریم است که قوم او بر سه عقیده متفرق شدند: گروهی مؤمنان که همان خواریون بودند، گروهی که با او دشمنی کردند که یهودیان بودند و گروهی که درباره او غلو کردند و

۱- مائه منقبه من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة: صفحه ۸۰ المنقبه الثامنة و الأربعون. از او بحار الأنوار: جلد ۲۵ صفحه ۲۶۴ باب ۱۰ حدیث ۴.

ص: ۵۷

از ایمان بیرون شدند.

و به یقین امت من (نیز درباره تو) بر سه گروه متفرق خواهند شد: گروهی شیعیانست که مؤمنان هستند، گروهی دشمنانست که همان تردیدکنندگان (درباره ولایت) هستند و گروهی که درباره تو غلو کنند که انکارکنندگان (حق) هستند. و به راستی یا علی، تو و شیعیانست و دوستداران شیعیانست در بهشت خواهید بود و دشمنانست و غلوکنندگان در دوستی و محبت تو، در آتش خواهند بود.

مولانا امیرالمؤمنین سلام الله علیه نیز فرمودند:

لَا تَتَجَاوَزُوا بَنَا الْعُبُودِيَّةِ، ثُمَّ قُولُوا مَا شِئْتُمْ وَلَنْ تَبْلُغُوا، وَإِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ كَغُلُوِّ النَّصَارَى، فَإِنِّي بَرِيءٌ مِنَ الْغَالِينَ. (۱)

۱- تفسیر منسوب به امام حسن زکّی عسکری علیه السلام: صفحه ۵۰ حدیث ۲۴ و الإحتجاج علی أهل اللجاج: جلد ۲ صفحه ۴۳۸. ر.ک: منهاج النّجاح: صفحه ۳۳.

ص: ۵۸

ما را از بندگی خداوند بیرون نبرید سپس در (فضیلت) ما (اهل بیت) آنچه می خواهید بگویید حال آنکه (به درک حقیقت جایگاه ما) نمی رسید. و برحذر باشید که چنان چه نصاری به غلو معتقد شدند، دچار غلو شوید زیرا که من از غلوکنندگان، بیزارم.

همچنین در حدیث دیگری فرمودند:

اللَّهُمَّ إِنِّي بَرِيءٌ مِنَ الْغُلَاةِ كِبْرَاءَهُ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مِنَ النَّصَارَى، اللَّهُمَّ اخْذِلْهُمْ أَبَدًا، وَلَا تَنْصُرْ مِنْهُمْ أَحَدًا. (۱)

۱- الأمالی شیخ طوسی: صفحه ۶۵۰ حدیث ۱۳۵۰-۱۳ عنه بحار الأنوار: جلد ۲۵ صفحه ۲۶۶ حدیث ۷ و جلد ۷۶ صفحه ۲۲۶ حدیث ۱۵.
مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ۱/۲۶۳ عنه إثبات الهداه: جلد ۵ صفحه ۴۰۲ الفصل ۲۴ حدیث ۱۰۵ و بحار الأنوار: جلد ۲۵ صفحه ۲۸۴ حدیث ۳۲.

ص: ۵۹

الاهاء، بیزارم از غُلالت چون بیزاری عیسی بن مریم از نصاری. خدایا، آنان را برای همیشه فرومایه دار و یک تن از ایشان را یاری نکن.

اهل بیت علیهم السّلام می فرمایند: ما را فراتر از آنچه هستیم، قرار ندهید. (۱) می فرمایند: آنچه ما درباره خودمان نگفتیم، شما درباره ما نگوئید. امام صادق در مقام وصیت و سفارش به برخی از اصحاب خویش فرمودند:

اتَّقُوا اللَّهَ، وَ... تَقُولُونَ مَا نَقُولُ، وَاعْمَلُوا بِمَا نَأْمُرُكُمْ

۱- بصائر الدرجات: صفحه ۲۴۱ حدیث ۲۲... عن إسماعيل بن عبدالعزيز قال: قال لي أبو عبد الله عليه السّلام: ضَع لي فِي الْمُتَوَضُّعِ ماءً. قال: فقمت فوضعت له فدخل. قال: فقلت في نفسي: أنا أقول فيه كذا و كذا و يدخل المتوضّأ! فلم يلبث أن خرج فقال: يا إسماعيلَ بْنَ عَبْدِ الْعَزِيزِ! لَا تَرْفَعُوا الْبِنَاءَ فَوْقَ طَاقَتِنَا فَيَنْهَدَمَ، اجْعَلُونَا عِبِيداً مَخْلُوقِينَ وَ قُولُوا فِينَا مَا شِئْتُمْ. قال إسماعيل: كنت أقول فيه و أقول حدّثنا.

ص: ۶۰

بِهِ تَكُونُوا لَنَا شِيعَةً، وَلَا تَقُولُوا فِينَا مَا لَا نَقُولُ فِي أَنْفُسِنَا فَلَا تَكُونُوا لَنَا شِيعَةً ... (۱)

تقوای الهی پیشه سازید و... آنچه ما (اهل بیت) می گوییم، بگویید و به آنچه ما شما را فرمان می دهیم، عمل کنید (که در این صورت) شیعه ما هستید. و آنچه ما درباره خود نگفتیم، درباره ما نگویید (که در غیر این صورت)، شیعه ما نیستید.

همچنین فرمودند:

لَا تَذْكُرُوا سِرَّنَا بِخِلَافِ عَلَانِيَتِنَا، وَلَا عَلَانِيَتِنَا بِخِلَافِ سِرَّنَا، حَسْبُكُمْ أَنْ تَقُولُوا مَا نَقُولُ، وَتَصْمُتُوا عَمَّا نَصْمُتُ، إِنَّكُمْ قَدْ رَأَيْتُمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ فِي خِلَافِنَا خَيْرًا، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ

۱- دعائم الإسلام: جلد ۱ صفحه ۶۱. ر.ک: شرح الأخبار: جلد ۳ صفحه ۵۰۷ حدیث ۱۴۵۷.

ص: ۶۱

فِتْنَهُ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (۱). (۲)

آشکار و نهان ما (اهل بیت) را مخالف یکدیگر جلوه ندهید و بیان نکنید؛ شما را همین بس که آنچه ما می‌گوییم بگویید و از آنچه ما (درباره آن) سکوت می‌کنیم، لب فرو بندید (از جانب خود، اظهار نظر نکنید). شما (شیعیان) به روشنی دیده‌اید که خداوند عزوجل در مخالفت با (کلام و عمل) ما (اهل بیت) برای هیچ یک از مردم خیری قرار نداده است. خداوند می‌فرماید: «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» کسانی که از فرمان او (پیامبر و امام) سرپیچی می‌کنند باید بترسند از اینکه به بلیه‌ای دچار شوند یا عذابی دردناک به ایشان برسد».

۱- سوره النور آیه ۶۴.

۲- الکافی: جلد ۸ صفحه ۸۷ حدیث ۵۱.

ص: ۶۲

و می فرمود:

لَعَنَ اللَّهُ الْمُغِيرَةَ بْنَ سَعِيدٍ، إِنَّهُ كَانَ يَكْذِبُ عَلَى أَبِي فَأَذَاقَهُ اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ. لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَالَ فِينَا مَا لَا نَقُولُهُ فِي أَنْفُسِنَا، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ أزالنا عَنْ الْعُبُودِيَّةِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنَا وَإِلَيْهِ مَأْبُنَا وَمَعَادُنَا وَبِيَدِهِ نَوَاصِينَا. (۱)

خدا مغیره بن سعید (۲) را لعنت کند، او پیوسته به پدرم (امام باقر علیه السلام) دروغ می بست، به همین جهت خداوند حرارت آهن را به او چشاند (کنایه از اینکه کشته شد). خدا لعنت کند کسی را که درباره ما (اهل بیت) چیزی بگوید که ما درباره

۱- رجال کشی: صفحه ۲۲۳ حدیث ۴۰۰ و صفحه ۳۰۲ حدیث ۵۴۲ عنه بحار الأنوار: جلد ۲۵ صفحه ۲۹۷ حدیث ۵۹، إثبات الهداه: جلد ۵ صفحه ۴۰۲ حدیث ۱۰۱ بعضه.

۲- این شخص در شمار غالیان است.

ص: ۶۳

خودمان نمی‌گوییم و خدا لعنت کند کسی را که ما (اهل بیت) را خارج کند از بندگی خداوندی که ما را آفریده و بازگشت ما به سوی او و صاحب اختیار ما اوست.

ابوریع شامی گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمودند:

وَيَحْكُ يَا أَبَا الرَّبِيعِ ... وَلَا تَقُلْ فِينَا مَا لَا نَقُولُ فِي أَنْفُسِنَا فَإِنَّكَ مَوْقُوفٌ وَمَسْئُولٌ لَا مَحَالَةَ فَإِنْ كُنْتَ صَادِقًا صَدَقْنَاكَ وَإِنْ كُنْتَ كَاذِبًا كَذَّبْنَاكَ. (۱)

۱- الکافی: جلد ۲ صفحه ۲۹۸ حدیث ۶. علامه مجلسی رحمه الله تعالی در شرح حدیث کافی در کتاب بحار الأنوار: جلد ۷۰ صفحه ۱۵۲ باب ۱۲۴ و مرآه العقول: جلد ۱۰ صفحه ۱۲۴ می‌فرماید: «ما لا نقول في أنفسنا» کالربوبیّه و الحلول و الإتحاد و نسبه خلق العالم إلیهم، أو كونهم أفضل من نبینا صلی الله علیه و آله و سلم أو الأعم منها و من التقصیر فی حقّهم «فإنّک موقوف» ای يوم القيامة و مسئول عما قلت فینا لقوله تعالى: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» ...

ص: ۶۴

وای بر تو ای ابوربیع... و آنچه ما (اهل بیت) درباره خود نگفتیم، درباره ما نگو زیرا به یقین، برپا ایستاده و مورد بازخواست واقع خواهی شد؛ اگر راست گفته باشی، تو را تصدیق می کنیم و اگر دروغ گفته باشی، تو را تکذیب خواهیم کرد.

چنان چه دیدیم و در ادامه نیز خواهیم دید؛ ائمه اطهار علیهم السلام، قائلین غلو را مورد لعنت قرار داده و از مسلمانی خارج می دانند. در بسیاری از کتاب های مرجع شیعه به سندهای مختلف آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي لَا نَصِيبَ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ: النَّاصِبُ لِأَهْلِ بَيْتِي حَرْبًا، وَغَالٍ فِي الدِّينِ مَارِقٌ مِنْهُ. (۱)

۱- التوحید شیخ صدوق صفحه ۷۴ حدیث ۳، الامالی شیخ صدوق صفحه ۶۷۱ حدیث ۱ و من لا- يحضره الفقيه و الاحتجاج و... .
ر.ک: مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: جلد ۱ صفحه ۲۶۳، مجموعه ورام: جلد ۱ صفحه ۳۹، إثبات الهداه: جلد ۵ صفحه ۴۰۲
الفصل ۲۴ حدیث ۱۰۴.

ص: ۶۵

دو گروه از امت من هستند که هیچ بهره‌ای از اسلام ندارند: کسی که آشکارا با اهل بیت من اظهار جنگ و دشمنی کند و کسی که در دین غلو می‌کند و به سبب غلو، از دین خارج است.

و با توجه به آن چه سلیم از مولا امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند، «غلو» یکی از بنیان‌های کفر است:

بُئِيَ الْكُفْرُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: الْفِسْقِ وَالْغُلُوِّ وَالشَّكِّ وَالشُّبْهَةِ. (۱)

کفر بر چهار پایه بنا شده است: فسق، غلو، تردید و شبهه.

در کافی شریف به سند صحیح از هشام بن سالم از امام

ص: ۶۶

صادق علیه السلام روایت است که درباره نحوه برخورد امیرالمؤمنین با کسانی که در مورد شخص حضرت غلو کردند می فرماید:

«أَتَى قَوْمٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالُوا: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَبَّنَا، فَاسْتَتَابَهُمْ، فَلَمْ يَتُوبُوا، فَحَفَرَ لَهُمْ حَفِيرَةً، وَأَوْقَدَ فِيهَا نَارًا، وَحَفَرَ حَفِيرَةً أُخْرَى إِلَى جَانِبِهَا، وَأَفْضَى بَيْنَهُمَا، فَلَمَّا لَمْ يَتُوبُوا أَلْقَاهُمْ فِي الْحَفِيرَةِ، وَأَوْقَدَ فِي الْحَفِيرَةِ الْأُخْرَى حَتَّى مَاتُوا. (۱)»

گروهی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند و گفتند: «السلام عليك يا ربنا». سلام بر تو ای پروردگار ما. حضرت به آنان فرمودند: (از این اعتقاد) توبه کنید. اما آنان توبه نکردند. امیرالمؤمنین گودال هایی کنده و در آن آتش قرار دادند و گودال های دیگری در کنار آن حفر نموده

ص: ۶۷

و گودال ها را به هم راه دادند؛ چون این افراد از باور خویش توبه نکردند، آنها را درون گودال ها قرار داده و در بقیه، آتش روشن نمودند تا اینکه آنها (از دود) مُردند.

چنان چه می بینیم، حضرت اتمام حجت فرموده و به توبه امر کردند و چون آنان امتناع کرده و بر اعتقاد ناحق خویش باقی ماندند، امام بی درنگ حکم اعدام را درباره آنان اجرا نمود. روایت این جریان در کتاب های بسیار دیگری نیز وجود دارد. کافی در موضعی دیگر به سند صحیح دیگری، تهذیب الأحکام، الاستبصار، الأمالی شیخ طوسی، همگی این حدیث را به سندهای صحیح نقل کرده اند. همچنین در کتاب شریف الکافی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است که فرمودند:

إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا فَرَغَ مِنْ أَهْلِ الْبُصْرَةِ

ص: ۶۸

أَتَاهُ سَبْعُونَ رَجُلًا مِّنَ الزُّطِّ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ وَكَلَّمُوهُ بِلِسَانِهِمْ فَرَدَّ عَلَيْهِمْ بِلِسَانِهِمْ، ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: إِنِّي لَسْتُ كَمَا قُلْتُمْ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ مَخْلُوقٌ، فَأَبَوْا عَلَيْهِ وَقَالُوا: «أَنْتَ هُوَ». فَقَالَ لَهُمْ: لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا وَتَرْجِعُوا عَمَّا قُلْتُمْ فِيَّ وَتَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا قُتِلْتُكُمْ! فَأَبَوْا أَنْ يَرْجِعُوا وَيَتُوبُوا، فَأَمَرَ أَنْ تُحْفَرَ لَهُمْ آبَارٌ فَحُفِرَتْ ثُمَّ حَرَقَ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ، ثُمَّ قَذَفَهُمْ فِيهَا، ثُمَّ حَمَرَ رُءُوسَهَا، ثُمَّ أُلْهِبَتِ النَّارُ فِي بَيْتٍ مِنْهَا لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ، فَدَخَلَ الدُّخَانُ عَلَيْهِمْ فِيهَا فَمَاتُوا. (۱)

چون امیرالمؤمنین علیه السلام از اهل بصره (یعنی جنگ جمل) فراغت یافت، هفتاد نفر از «زُط» (سیاه پوستان هندی) خدمت مولا آمدند و به حضرت سلام کردند و با زبان خویش با ایشان سخن گفتند و حضرت با زبان خودشان پاسخ آنان

ص: ۶۹

را داد. سپس فرمود: من چنان که شما گفته اید (و باور دارید) نیستم. من بنده آفریده شده خدا هستم. آنان انکار ورزیده و گفتند: «أَنْتَ هُوَ» تو او (یعنی خدا) هستی. حضرت فرمود: اگر (این سخن را) پایان ندهید و از (اعتقاد به) آنچه درباره من گفتید (به سوی حق) بازنگردید و به درگاه خداوند عزوجل توبه نکنید؛ (من علی) شما را می‌کشم. اما آنان از بازگشت و توبه امتناع ورزیدند. مولا دستور داد که برای آنان چاه‌هایی کنده شود. سپس برخی را به برخی دیگر راه دادند و ایشان را درون آن انداخته و رویش را پوشاندند و در یکی از چاه‌ها که هیچ یک از ایشان درون آن نبود، آتش افروختند و بدین سبب دود بر ایشان وارد شد و مُردند.

توضیح اینکه «هو» اسم ساحت قدس ربوبی بوده و اسم ذات «الله» است و چنانچه می‌بینیم اینجا نیز مولا اتمام حجت

ص: ۷۰

فرمودند و به روشنی اعلام داشتند که سزای این اعتقاد، اعدام است و چون آنان از توبه امتناع کردند؛ امام بی درنگ حکم را اجرا فرمود. این حدیث شریف در کافی، رجال کشی، الأمالی طوسی و کتاب های معتبر بسیار دیگری آمده است.

اما «هو» خواندن امیرالمؤمنین علیه السلام، مربوط به ۱۳ قرن پیش نیست، امری قدیمی و نادر و تمام شده نیست، زمان آن حضرت وجود داشته اکنون نیز وجود دارد؛ متأسفانه در برخی مجالس که به نام اهل بیت علیهم السلام برگزار می شود، «هو یا علی مدد» «علی هو» «حسین هو» و... می گویند. منشأ این باورها چیزی جز اندیشه های آلوده به غلو و انحراف نیست.

وقتی امام صراحتاً این باور را رد می کند، قائلین آن را

ص: ۷۱

کافر می داند و حکم اعدام را برای آنان جاری می کند، دیگر منتظر چه هستیم؟ آیا حجتی جز قول و فعل امام معصوم وجود دارد؟ معتقد و معترف هستیم که اگر تنها یک دلیل بر صحت این باور وجود داشت، امام هرگز قائلین به خدایی خویش را اعدام نمی کرد. بنابراین به هیچ عنوان نمی توان قول و فعل امام را تحریف و اعتقاد به چنین باوری را توجیه نمود؛ ضمن اینکه فرمایش امام، برای گذشته نیست، کلام امام، زمان بر نمی دارد....

شیعیان مولا، گوش به فرمان حضرت هستند، چشم به دهان مبارک امام دوخته اند تا آنچه امر فرماید، انجام دهند. اگر ما می خواهیم خود را در جایگاه والای شیعیان مولا قرار دهیم، باید طوری عمل کنیم که مولا بر ما نظر لطف اندازد، نه اینکه از شنیدن سخنان ما رنج کشیده، قلب نازینش

ص: ۷۲

جراحت بردارد و نظر مرحمت و کرامتش را از ما بگرداند؛ باید چنان عمل کنیم که امام از ما راضی گردد، نه چنان که خودمان از گفتار و کردار خویش راضی باشیم؛ امام ما را مسلمان و شیعه بنامد، نه اینکه خودمان، خود را مسلمان و شیعه بخوانیم و بدانیم.

در برخی عزاداری‌ها گفته می‌شود «خدای من حسین است» «خدای من عباس است» «خدای من علی است» «خدای من فاطمه است»، هیچ کدام این‌ها مورد رضایت مولا امیرالمؤمنین، سیدالشهداء و اهل بیت عصمت نیست.

اگر به وجود خداوند ایمان داریم، اگر به حکمت و عدل او ایمان داریم، باید ایمان داشته باشیم که اراده الهی، فوق تمامی اراده هاست و سخنی فراتر از کلام الله نیست که فرمود:

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ

ص: ۷۳

وَرَسُولُهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا (۱)

چون خدا و پیامبرش درباره امری حکمی کنند، هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد در برابر فرمان ایشان، اختیاری داشته باشد و هرکس از (فرمان) خدا و پیامبرش سرپیچی کند، به یقین گمراه شده، گمراهی آشکار و روشن.

با این حال؛ آیا می‌توانیم به اهل بیت نسبت‌هایی بدهیم که خود را از آن مبرا فرموده‌اند؟ آیا می‌توانیم از جانب خود، دین خداوند را کم و زیاد کنیم؟ آیا در برابر حکم الهی، اختیاری داریم؟ نکند پیام غدیر را، جایگاه اهل بیت را فراموش کرده ایم؟ به خاطر بیاوریم پیام رسول الله را در غدیر آن روز باشکوه که فرمود:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ مِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ،

۱- سوره (۳۳) الأحزاب آیه ۳۷.

ص: ۷۴

فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا، وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا، وَأَنْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشَدُوا، وَصِيرُوا إِلَىٰ مُرَادِهِ وَلَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ.

ای مردم؛ همانا خداوند مرا امر و نهی فرمود و من نیز علی را امر و نهی کردم؛ بنابراین دانش امر و نهی را از جانب پروردگار عزوجل خویش می‌داند. پس شنوای فرمان او باشید تا (از گرفتاری در دام فتنه و گمراهی) سلامت بمانید و از او پیروی کنید که هدایت یابید و نهی او را متابعت کنید که رستگار شوید و به سوی خواسته وی روان شوید و مباد که راه‌ها (ی انحرافی) شما را از (ره روی) راه او پراکنده سازد.

آن که می‌گوید «علی هو» باید ببیند برخورد امیرالمؤمنین با او و کلام او چیست. امیرالمؤمنین کجاست و این اعتقادات؟ کسی که می‌گوید «من حسین اللهم...»، ببیند اگر در مقابل

ص: ۷۵

اهل بیت علیهم السلام چنین بگوید، با او چگونه معامله می کنند. سیدالشهداء کجاست و این بیانات؟

آنکه نسبت خدایی به اهل بیت می دهد و اعتقاد به این باور خودباخته را به ائمه علیهم السلام بار می کند، دین را چنان که هست، پذیرفته یا چنان که خود می پسندد؟ آیا او برای اسلام، ارزش دین قائل است؟ آیا این بدان معنا نیست که دین را به خدمت خویش درآورده و دستاویزی برای رسیدن به اهداف خود قرار داده است؟ و آیا امام شهیدمان، آن مظلوم بی یاور، با چنان مردمی روبرو نبود که در راه به سوی کربلا، فرمود:

إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالْدِّينُ لَغَقٌّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ، فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ

ص: ۷۶

قَلِّ الدِّينَانُونَ. (۱)

به راستی مردم بنده دنیا هستند و دین، تنها آویزه ای روی زبان ایشان است، تا جایی که زندگی آنان را رو به راه سازد، آن را بر زبان می چرخانند اما چون به آزمایش درافتند، دین داران اندک گردند.

آیا زیر پا نهادن حکم الهی، به معنای نادیده گرفتن پروردگار و بسیار دیدن خود نیست؟ و آیا منشأ آن، جز غرور در برابر خدا و حجت خدا نیست؟ خداوند می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَ اخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ

۱- تحف العقول: صفحه ۲۴۵ و بحار الأنوار: جلد ۷۵ صفحه ۱۱۶ باب ۲۰ حدیث ۲.

ص: ۷۷

[الْغُرُورُ \(۱\)](#)

ای مردم، از نافرمانی خدا بترسید و تقوای الهی پیشه سازید و بترسید از روزی که هیچ پدری به جای فرزندش مجازات نشود و فرزندی نیست که به کمترین چیزی، به جای پدر مجازات شود. به یقین وعده خدا حق است (و واقع خواهد شد) پس (مراقب باشید) که زندگانی دنیا شما را مغرور نسازد و مبادا که (شیطان) شما را نسبت به خداوند گستاخ کند.

در حدیث شریف دیگری در التوحید از حسین بن خالد از امام علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء است که راجع به اهل تشبیه و غلات سخن گفته و راجع به غلات فرمودند:

۱- سوره (۳۱) لقمان آیه ۳۴.

ص: ۷۸

يَا بَنَ خَالِدٍ! إِنَّمَا وَضَعَ الْأَخْبَارَ عَنَّا فِي التَّشْبِيهِ وَالْجَبْرِ الْغَلَاةُ، الَّذِينَ صَبَّحُوا عَظَمَةَ اللَّهِ، فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَنَا، وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَحَبَّنَا، وَمَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ عَادَانَا، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ وَالَانَا، وَمَنْ وَصَلَهُمْ فَقَدْ قَطَعَنَا، وَمَنْ قَطَعَهُمْ فَقَدْ وَصَلَنَا، وَمَنْ جَفَاهُمْ فَقَدْ بَرَّانَا، وَمَنْ بَرَّاهُمْ فَقَدْ جَفَانَا، وَمَنْ أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَهَانَنَا، وَمَنْ أَهَانَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَنَا، وَمَنْ قَبَلَهُمْ فَقَدْ رَدَّنَا، وَمَنْ رَدَّهُمْ فَقَدْ قَبَلْنَا، وَمَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهِمْ فَقَدْ أَسَاءَ إِلَيْنَا، وَمَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِمْ فَقَدْ أَحْسَنَ إِلَيْنَا، وَمَنْ صَدَّقَهُمْ فَقَدْ كَذَّبْنَا، وَمَنْ كَذَّبَهُمْ فَقَدْ صَدَّقْنَا، وَمَنْ أَعْطَاهُمْ فَقَدْ حَرَمْنَا، وَمَنْ حَرَمَهُمْ فَقَدْ أَعْطَانَا.

غلامت، اخباری را (به دروغ) از ما (اهل بیت) درباره «تشبیه» و «جبر» نقل کردند؛ آنان کسانی هستند که (به سبب اعتقاد خویش) عظمت خدا را کوچک شمردند. هر کس آنها را دوست بدارد با ما (اهل بیت)

ص: ۷۹

کینه توزی کرده، و کسی که با آنان کینه توزی کند ما را دوست داشته است. هرکس آنها را سرپرست خویش بداند با ما دشمنی کرده، و هرکس با آنان دشمنی کند در حقیقت ما اهل بیت را سرپرست خود قرار داده است. هرکس با آنان بیوندد، از ما (اهل بیت) بریده، و هرکس خود را از آنها جدا کند با ما پیوند برقرار کرده است. هرکس به آنان جفا کند به ما نیکی کرده، و هرکس به آنان نیکی کند به ما جفا کرده است. هرکس آنان را گرامی بدارد به ما بی احترامی کرده، و هرکس آنان را خوار نماید ما را گرامی داشته است. هرکس آنها را بپذیرد ما (اهل بیت) را رد کرده، و هرکس آنها را رد کند ما را دوست داشته و پذیرفته است. هرکس به آنان نیکی کند به ما بدی کرده و هرکس به آنها بدی کند به ما نیکی کرده است. هرکس آنها را تصدیق کند ما را تکذیب کرده و هرکس آنها را تکذیب کند ما را

ص: ۸۰

تصدیق کرده است. هر کس به آنان عطا کند ما را محروم داشته است و هر کس آنها را محروم کند، به ما عطا کرده است.

سپس امام رضا علیه السلام فرمودند:

يَا بَنَ خَالِدٍ! مَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا فَلَا يَتَّخِذَنَّ مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا.

هر کس از شیعیان ما (اهل بیت) است، نباید از آنان دوست و یاری گری بجوید.

این حدیث شریف در عیون اخبار الرضا علیه السلام، روضه الواعظین و الإحتجاج نیز آمده است. بنابراین کسانی که درباره اهل بیت علیهم السلام غلو کنند، دشمن اهل بیت به شمار می آیند چنان که دوستی با آنان، دشمنی با اهل بیت و دشمنی با آنان، دوستی با اهل بیت است و الی آخره.

در پایان فرمایش امام علیه السلام نیز نکته ای بسیار

ص: ۸۱

جالب توجه است و آن نشانه شیعیان است: شیعه باید گوش به فرمان امام باشد. ما یا شیعه هستیم یا نیستیم، از این دو حالت خارج نیست؛ طبق فرمایش امام رضا علیه السلام، اگر شیعه هستیم باید گوش به فرمان امام باشیم.

ابوهاشم جعفری می گوید: از امام رضا علیه السلام درباره «غلات» و «مفوضه» پرسیدم، فرمودند:

الْغُلَاةُ كُفَّارٌ، وَالْمَفُوضَةُ مُشْرِكُونَ، مَنْ جَالَسَهُمْ، أَوْ خَالَطَهُمْ، أَوْ أَكَلَهُمْ، أَوْ شَارَبَهُمْ، أَوْ وَاصَلَهُمْ، أَوْ زَوَّجَهُمْ، أَوْ تَزَوَّجَ مِنْهُمْ، أَوْ آمَنَهُمْ، أَوْ ائْتَمَنَهُمْ عَلَى أَمَانَةٍ، أَوْ صَدَّقَ حَدِيثَهُمْ، أَوْ أَعَانَهُمْ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ، خَرَجَ مِنْ وَلَايَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَوَلَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَوَلَايَتِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ. (۱)

غُلَات کافر و مفوضه مشرک هستند؛ هر کس با

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام: جلد ۲ صفحه ۲۰۳ حدیث ۴.

ص: ۸۲

این دو گروه بنشینند، اختلاط داشته باشد، هم غذا شود، نوشیدنی بنوشد، بپیوندد، به آنها دختر بدهد و از آنان دختر بگیرد، آنان را در امان بدارد، آنها را بر امانتی، امین خود بداند و سخن آنها را تأیید نماید یا آنها را به «شطر» کلمه ای (کمترین سخنی) تأیید کند، چنین فردی از ولایت خدا خارج است، از ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خارج است، از ولایت ما اهل بیت خارج است (یعنی او شیعه نیست، مسلمان نیست، موحد نیست، در اسلام هیچ جایگاهی ندارد).

مفضل بن مزید گوید: درباره پیروان ابوالخطاب لعنه الله (که از سران غلات و بدعت گذاران است) و غلات سخن به میان آمد. از امام صادق علیه السلام درباره آنان پرسیدم؛ حضرت فرمودند:

يَا مُفَضَّلُ! لَا تُقَاعِدُوهُمْ وَلَا تُؤَاكِلُوهُمْ وَلَا تُشَارِبُوهُمْ

ص: ۸۳

وَلَا تُصَافِحُوهُمْ وَلَا تُؤَارِثُوهُمْ. (۱)

ای مفضل با آنان هم نشین نشوید، هم غذا و هم سفره نشوید، همراه با آنان چیزی ننوشید و با آنان مصافحه نکنید (یعنی دست ندهید و روبوسی نکنید).

این حدیث شریف نیز متضمن پیام بسیار مهمی است؛ اهل بیت علیهم السلام، اهل غلو را نه تنها به عنوان مسلمان نمی پذیرند، بلکه درباره آنان بیانی دارند که درباره اهل کتاب نیز فرموده اند. برای ما گفته نشده که اهل بیت فرموده باشند با اهل کتاب مصافحه نکنید، اما درباره غلات می فرمایند حتی با آنها دست ندهید در برخی احادیث نیز می فرمایند:

لَعَنَ اللَّهُ الْغُلَاةَ، أَلَا كَانُوا يَهُوداً أَلَا كَانُوا مَجُوساً أَلَا كَانُوا نَصَارَى أَلَا كَانُوا فَدَرِيَّةً أَلَا كَانُوا مُرَجَّئَةً أَلَا كَانُوا

۱- رجال کشی: صفحه ۲۹۷ حدیث ۵۲۵.

حُرُورِيَّةٌ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تُقَاعِدُوهُمْ وَلَا تُصَادِقُوهُمْ وَابْرِءُوا مِنْهُمْ بَرِئَ اللَّهُ مِنْهُمْ. (۱)

خداوند غلات را لعنت کند؛ ای کاش یهودی بودند، ای کاش مجوس (یعنی کافر و مشرک) بودند، ای کاش نصرانی (مسیحی) بودند، ای کاش قدریه بودند، ای کاش مرجئه بودند، ای کاش حروریه بودند. سپس حضرت علیه السلام فرمود: هم نشین آنان نشوید و با آنان دوست نشوید و از آنان بیزار باشید که خداوند از آنان بیزار است.

در بیانی دیگر، اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام به «بشار شعیری» (۲) فرمودند:

۱- بحار الأنوار: جلد ۲۵ صفحه ۲۷۳ حدیث ۱۸ از عیون اخبار الرضا علیه السلام: جلد ۲ صفحه ۲۰۲ حدیث ۲.

۲- این شخص در شمار غالیان است.

ص: ۸۵

اُخْرِجْ عَنِّي لَعْنَكَ اللَّهُ، وَاللَّهُ لَا يُظِلُّنِي وَإِيَّاكَ سَقْفُ يَمِّتٍ أَبَدًا.

از نزد من بیرون برو، خدا تو را لعنت کند. به خدا سوگند، سقف هیچ خانه‌ای بر روی من و تو سایه نیافکند (یعنی جایی که من هستم، تو نباید باشی). چون او بیرون رفت، امام فرمود:

وَيَلَهُ أَلَا قَالَ بِمَا قَالَتِ الْيَهُودُ، أَلَا قَالَ بِمَا قَالَتِ النَّصَارَى، أَلَا قَالَ بِمَا قَالَتِ الْمَجُوسُ، أَوْ بِمَا قَالَتِ الصَّابِئَةُ، وَاللَّهُ مَا صَيَّرَ اللَّهُ تَصْغِيرَ هَذَا الْفَاجِرِ أَحَدًا، إِنَّهُ شَيْطَانُ ابْنِ شَيْطَانٍ خَرَجَ مِنَ الْبَحْرِ لِيُغْوِيَ أَصْحَابِي وَشِيعَتِي، فَاحْذَرُوهُ وَلِيُبَلِّغِ الشَّاهِدَ الْغَائِبَ أَنِّي عَبْدُ ابْنِ عَبْدِ قَيْنِ ابْنِ أُمِّهِ ضَمَمْتَنِي الْأَصِلَابُ وَالْأَرْحَامُ، وَإِنِّي لَمَيِّتٌ، وَإِنِّي لَمَبْعُوثٌ، ثُمَّ مَوْفُوفٌ، ثُمَّ مَسْئُولٌ، وَاللَّهُ لَأَسْأَلَنَّ عَمَّا قَالَ فِي هَذَا الْكَذَّابِ وَادِّعَاهُ عَلَيَّ، يَا وَيْلَهُ مَا لَهُ أَرْعَبَهُ اللَّهُ! فَلَقَدْ أَمِنَ عَلَى فِرَاشِهِ وَافْزَعَنِي وَأَقْلَقَنِي عَنْ رُقَادِي، وَتَذَرُونَنِّي لِمَ أَقُولُ

ص: ۸۶

ذَلِكَ، أَقُولُ ذَلِكَ لِكَيْ أُسْتَقَرَّ فِي قَبْرِى. (۱)

وای بر او، چرا آن چه یهودیان گفتند، نگفت؟ چرا آن چه نصاری (مسیحیان) گفتند، نگفت؟ چرا آن چه مجوسیان گفتند، نگفت؟ یا آن چه صابئیان (۲) گفتند؟ به خدا سوگند، هیچ کس به اندازه این فاجر (۳) خدا را کوچک نکرده است. او شیطان پسر شیطان است که از دریا خارج شد تا یاران و پیروان مرا گمراه کند بنابراین از او پرهیزید. و باید حاضران (این پیام مرا) به غایبان برسانند که من بنده خدا پسر بنده خدا، بنده ای خالص، فرزند بانویی هستم که در درون اصلاّب و ارحام جا

- ۱- رجال کشی: صفحه ۴۰۰ حدیث ۷۴۶ عنه بحار الأنوار: جلد ۲۵ صفحه ۳۰۷ حدیث ۷۳، إثبات الهداه: جلد ۵ صفحه ۴۰۲ حدیث ۱۰۳.
- ۲- گروهی هستند که ستارگان را می پرستند.
- ۳- گناه کاری که گناه را روش خویش قرار داده است.

ص: ۸۷

داشته‌ام، خواهم مُرد و برانگیخته خواهم شد، سپس (در پیشگاه الهی) برپا ایستاده و مورد بازخواست خواهم بود. به خدا سوگند راجع به آنچه این دروغگو درباره من گفته و نسبت به من مدّعی شده است، پرسیده خواهم شد. وای بر او، او را چه شده؟ خدا «رعب، ترس و وحشت» (۱) را بر او چیره سازد که به راستی در رختخواب خویش آسوده (آرمیده) ولی مرا بی تاب نموده و بی خوابم ساخته است. می دانید چرا چنان می گویم؟ چنان می گویم تا بلکه در قبرم، آرامش یابم.

در این حدیث، نارضایتی و نگرانی امام، کاملاً ملموس است. بیدارباش مولا و نیز نفرین ذکر شده نیز بسیار جالب

۱- اشاره به این کلام خداوند که می فرماید: سَيُلْقَى فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوًى الظَّالِمِينَ، سوره (۳) آل عمران آیه ۱۵۲.

توجه هستند. در حدیث دیگری در الامالی شیخ طوسی از فضیل بن یسار است که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

اخْذَرُوا عَلَى شَبَابِكُمُ الْغُلَاةَ لَا يُفْسِدُونَهُمْ، فَإِنَّ الْغُلَاةَ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ، يُصَغَّرُونَ عَظَمَةَ اللَّهِ، وَيَدْعُونَ الرُّبُوبِيَّةَ لِعِبَادِ اللَّهِ. وَاللَّهُ إِنَّ الْغُلَاةَ شَرُّ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسِ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا. (۱)

جوانان خود را از غالیان برحذر دارید که آنها را به فساد و تباهی نکشند، زیرا «غلات» بدترین آفریدگان خدا هستند. آنان عظمت خدا را کوچک می‌شمارند و قائل به پروردگاری بندگان خدا هستند. به خدا سوگند که غلات از یهود و نصاری

۱- الامالی شیخ طوسی صفحه ۶۵۰ حدیث ۱۲. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: جلد ۱ صفحه ۲۶۳ عنه اثبات الهداه: جلد ۵ صفحه ۴۰۲ الفصل ۲۴ حدیث ۱۰۶. مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین علیه السلام: صفحه ۱۰۵.

ص: ۸۹

و مجوس و مشرکان بدتر هستند.

چنان چه می بینیم ولیّ معصوم بر این بیان، سوگند یاد می کند و دلیل آن را دست اندازی غُلات در محتوای دین، تحریف آن بیان می کند.

اهل بیت (ع) و اهل بیت (ع)

ص: ۹۱

در بسیاری از کتب مرجع حدیثی شیعه، حدیث شریفی آمده است که بُرید بن معاویه می گوید: به امام باقر و امام صادق علیهما السلام عرض کردم: منزلت شما، چه منزلت و جایگاهی است؟ از کسانی که گذشته اند شما شبیه کدام یک هستید؟ فرمودند:

كَصَاحِبِ مُوسَى وَ ذِي الْقُرْنَيْنِ كَانَا عَالَمِينَ وَ لَمْ يَكُونَا نَبِيِّنِ. (۱)

۱- - بصائر الدرجات: صفحه ۳۶۶ حدیث ۳ و تفسیر العیاشی: جلد ۲ صفحه ۳۳۰ حدیث ۴۵ و صفحه ۳۴۰ حدیث ۷۴ و در الکافی جلد ۱ صفحه ۲۶۹ حدیث ۵.

ص: ۹۲

مانند همراه و هم نشین موسی (حضرت خضر علیه السلام) و مانند ذی القرنین هستیم. آن دو نفر عالم بودند اما نبی نبودند، پیامبر نبودند.

حضرت موسی، پیامبر است و حضرت خضر پیامبر نیست ولی عالم است. آنان با یکدیگر همسفر شدند ولی چون علم خضر بیشتر از علم موسی بود، درباره آن سه واقعه اختلاف داشتند. این تشبیه بدان معناست که ائمه علیهم السلام، عالم هستند، اما پیامبر تأسیسی نیستند.

همچنین در کتاب های معتبر حدیثی ما آمده است که یکی از علمای یهود، خدمت امیرمؤمنان علی علیه السلام آمد و سؤالاتی پرسید، حضرت پاسخ فرمودند. سپس آن مرد گفت: آیا شما پیغمبر هستید؟ حضرت فرمودند:

وَيْلَكَ! إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عَبْدِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

ص: ۹۳

وَآلِهِ... (۱)

وای به حال تو، انا عبد من عید محمد صلی الله علیه و آله.

فضیل بن عثمان گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

اتَّقُوا اللَّهَ، وَ عَظِّمُوا اللَّهَ، وَ عَظِّمُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، وَ لَا تَفْضُلُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَحَدًا، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ فَضَّلَهُ. وَ أَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ حُبًّا مُقْتَصِدًا، وَ لَا تَغْلُوا وَ لَا تَفَرِّقُوا وَ لَا تَقُولُوا مَا لَا نَقُولُ، فَإِنَّكُمْ إِنْ قُلْتُمْ وَ قُلْنَا مِنْكُمْ وَ مِثْنَا ثُمَّ بَعَثَكُمْ اللَّهُ وَ بَعَثْنَا، فَكُنَّا حَيْثُ يَشَاءُ اللَّهُ وَ كُنْتُمْ. (۲)

۱- الکافی: جلد ۱ صفحه ۸۹ حدیث ۵، التوحید: صفحه ۱۷۴ حدیث ۳، الإحتجاج: جلد ۱ صفحه ۲۱۰ و برخی دیگر از کتب حدیثی شیعه.

۲- قرب الإسناد: صفحه ۱۲۹ حدیث ۴۵۲ و صفحه ۱۵۹ حدیث ۵۸۰. ر.ک: التوحید: صفحه ۴۵۷ حدیث ۱۵.

ص: ۹۴

تقوای الهی پیشه سازید (از نافرمانی خدا بترسید) و خدا را بزرگ و گرامی بدارید.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را بزرگ و گرامی بدارید و هیچ کس را بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، برتری ندهید که به راستی خداوند تبارک و تعالی او را گرامی داشته است.

و اهل بیت پیامبران را دوست بدارید دوستی میانه و (در دوستی اهل بیت) غلو نکنید و (از محبت اهل بیت) دور و پراکنده نشوید (افراط و تفریط نکنید).

و آنچه ما نگفتیم، نگویید زیرا اگر چنین کنید، شما خواهید مُرد و ما نیز از دنیا می رویم و خداوند شما را برمی انگیزد و ما را نیز برمی انگیزد و ما (که جز قول خدا و رسول را قائل نیستیم) در جایگاهی که خداوند اراده فرموده باشد، خواهیم بود و شما نیز (که به دنبال پیروی از ما اهل بیت نبودید) در

ص: ۹۵

جایگاهی که خداوند اراده نماید، خواهید بود.

ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمودند:

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِبْرَأْ مِمَّنْ يَزْعُمُ أَنَّ أَرْبَابُ. قلت: برئ الله منه. فقال: إِبْرَأْ مِمَّنْ يَزْعُمُ أَنَّا أَنْبِيَاءُ. قلت: برئ الله منه. (۱)

ای ابامحمد، بیزار باش از کسی که گمان دارد ما (اهل بیت) ارباب (به معنای پروردگار و خالق یکتا) هستیم. عرض کردم: خداوند از او بیزار باشد. فرمود: بیزار باش از کسی که گمان دارد ما

۱- رجال کشی: صفحه ۲۹۷ حدیث ۵۲۹. عنه إثبات الهداه: جلد ۵ صفحه ۴۰۰ حدیث ۹۴، بحار الأنوار: جلد ۲۵ صفحه ۲۹۷ حدیث ۶۰، مستدرک الوسائل: جلد ۱۲ صفحه ۳۱۸ حدیث ۱۴۱۹۵.

ص: ۹۶

انبیاء هستیم. عرض کردم: خداوند از او بیزار باشد.

بیان امیرالمؤمنین سلام الله علیه و فرمایش امام باقر و امام صادق علیهما السلام را می بینیم، سخنان غالیان را نیز می بینیم که برخی مقام امیرالمؤمنین را از رسول الله نیز بالاتر می دانند. اینان خود را از شیعیان و موالیان اهل بیت می شمارند و به نام شیعه امیرالمؤمنین، به نام پیرو اهل بیت، به نام حقیقت و باطن اسلام، چنین اندیشه هایی را بیان می کنند. چه خواهد کرد امیرالمؤمنین با این داعیان و مدعیان غدیر، که خود را در آغوش امام قرار می دهند و از پشت بر قلب نازنین حضرت خنجر می زنند؟

معرفت و محبت اهل بیت

ص: ۹۷

همه ما، موظف به دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام هستیم. این دستور دین ماست، دستور پیامبر ما، امامان ماست، اما باید توجه کنیم، همان پیامبر، همان امام، این «محبت» را، «مودت» را معنا فرموده اند، باید و نباید آن را بیان کرده اند.

بعضاً نسبت به اهل بیت بسیار ادعای محبت دارند، اما فقط آن محبتی که خودشان باید و نباید آن را تعیین کنند. خود را ملزم به پیروی از دستورات دین نمی دانند آن هم با تکیه بر همین محبت اما مگر می شود اصل محبت را از مولا

ص: ۹۸

گرفت، ولی چستی این محبت، باید و نباید آن، تأثیر آن، محدوده آن را نپرسید و ندانست؟ برخی از غلات آشکارا اعلام می کنند «فقط محبت اهل بیت از ما خواسته شده و نیازی به انجام واجبات و ترک محرمات نیست» در حالی که امیرالمؤمنین علیه السلام شرط محبت را طاعت بیان فرمودند:

إِيَّاكُمْ وَالْعُلُوَّ فِينَا، قُولُوا إِنَّا عِبِيدٌ مَرْبُوبُونَ، وَقُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ. مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا، وَ لِيُسْتَعِنْ بِالْوَرَعِ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا يُشْتَعَانُ بِهِ فِي أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۱)

برحذر باشید از اینکه درباره ما (اهل بیت) غلو کنید، بلکه باید معتقد باشید که ما بندگان هستیم که پروردگاری داریم (ما را از خداوندی بیاندازید و

۱- الخصال: جلد ۲ صفحه ۶۱۴ ضمن حدیث ۱۰، تحف العقول: صفحه ۱۰۴ در حدیث اربع مائه.

ص: ۹۹

از بندگی خداوند خارج نکنید) سپس هرچه می‌خواهید در فضیلت ما بیان کنید. هرکس ما اهل بیت را (در معنای حقیقی و واقعی) دوست دارد؛ شایسته و بایسته است که مطابق با آنچه ما رفتار کردیم، عمل کند (الگو و سرمشق او، ما اهل بیت باشیم) و به ورع و پاکدامنی استعانت جوید که همانا بافضیلت‌ترین چیزی که می‌توان در امر دنیا و آخرت بدان استعانت جست، همان (ورع) است.

پیام بسیار مهمی که لازم است متوجه آن باشیم، همین نکته است. در احادیث بسیاری از جمله در فرمایش امام رضا علیه السلام که گذشت بر این مهم تأکید شده است. عبدالله بن فضل هاشمی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام سؤالاتی پرسیدم، پاسخ دادند تا اینکه فرمودند:

لَعَنَ اللَّهُ الْغُلَاةَ وَالْمُفَوِّضَةَ، فَإِنَّهُمْ صَغَرُوا عِصْيَانًا

ص: ۱۰۰

اللَّهِ، وَكَفَرُوا بِهِ، وَ أَشْرَكُوا وَ ضَلُّوا وَ أَضَلُّوا، فِرَاراً مِنْ إِقَامَةِ الْفَرَائِضِ، وَ أَدَاءِ الْحُقُوقِ. (۱)

خدا اهل غلو و اهل تفویض را لعنت کرده است زیرا آنان معصیت خداوند را کوچک شمردند و نسبت به خداوند کفر ورزیدند و برای او شریک قائل شدند و گمراه شدند و (دیگران را نیز) گمراه کردند تا از اقامه و اجرای واجبات و ادای حقوق (خدا و پیامبر و اهل بیت) فرار کنند.

امام جعفر صادق علیه السلام همچنین می فرماید:

إِنَّمَا يَزْجُعُ الْغَالِي فَلَا نَقْبُلُهُ، وَ بِنَا يَلْحَقُ الْمُقْصِرُ فَنَقْبُلُهُ. فَقِيلَ لَهُ: كَيْفَ ذَلِكَ، يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟! قَالَ: لِأَنَّ الْغَالِي قَدْ اعْتَادَ تَرْكَ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّيَامِ وَ الْحَجِّ، فَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَرْكِ عَادَتِهِ، وَ عَلَى الرُّجُوعِ إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَبَدًا، وَ إِنَّ الْمُقْصِرَ إِذَا عَرَفَ عَمَلَ

۱- علل الشرائع: جلد ۱ صفحه ۲۲۵ حدیث ۱.

ص: ۱۰۱

وَأَطَاعَ (۱).

غالی به سوی ما باز می گردد ولی او را نمی پذیریم اما مقصّر به ما می پیوندد و ما او را می پذیریم. گفته شد: چگونه چنین است، یابن رسول الله؟ فرمود: چون غالی به ترک نماز و زکات و روزه و حج عادت کرده (یعنی خود را با توجیه، به ترک واجبات راضی کرده) و از ترک عادت خویش و بازگشت به فرمان برداری خداوند، برای همیشه ناتوان است، اما مقصّر چون معرفت بیابد، (به واجبات) عمل نموده و (از دستورات الهی) فرمان برداری می کند.

در فرمایش امام علیه السلام، علت پذیرفته نشدن غالی ذکر شده است: غلات، بنابر اینکه اصل را تنها محبت

۱- الأمالی شیخ طوسی: صفحه ۶۵۰ حدیث ۱۳۴۹-۱۲. ر.ک: مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین علیه السلام: صفحه ۱۰۵.

ص: ۱۰۲

می‌دانند، آن‌هم به تفسیری که خود از آن دارند، عمل به عبادات و طاعات را کار مبتدیان و غیر واصلان می‌دانند و پذیرش و انجام احکام دین را بر نمی‌تابند و بدین ترتیب، معتقد به اباحی‌گری شده و آن را ترویج می‌کنند، آن‌هم با تکیه بر دین، با استنادش به اهل بیت.

برخی از غلات با صراحت بیان می‌کنند «نه ملزم به انجام واجب هستیم و نه ترک حرام؛ هر عمل حرامی هم انجام بدهیم اشکالی ندارد، فقط محبت اهل بیت علیهم السّلام ملاک است و همان، همه را جبران می‌کند» با این وجود، آیا می‌توان گفت باورهای غلات، منشأ یافته از وحی است؟ در حالی که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۱)

۱- سوره (۳۳) الأحزاب آیه ۷۱.

ص: ۱۰۳

ای کسانی که ایمان آورده اید، از نافرمانی خدا بترسید و تنها سخن محکم و استوار (سخنی که از صحت آن مطمئن هستید) بیان کنید.

آیا محکم تر از سخنان ائمه علیهم السّلام، سخنی هست تا به دنبال آن باشیم؟ آیا با وجود اعتراف به برتری اهل بیت، مجاز هستیم در پی سخنی، جز بیان و کلام اهل بیت باشیم؟

مردی از اصحاب امام صادق علیه السّلام، برای امام درباره برخی بیرون شدگان (از ولایت اهل بیت) ذکر کرد که محرمات را حلال می شمارند، از کسانی که از شیعیان حضرت شمرده می شدند، و گفت: آنان می گویند: «به راستی دین تنها معرفت است، بنابراین چون نسبت به امام معرفت کسب کردی، هرچه می خواهی انجام بده». امام صادق علیه السّلام فرمودند:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، تَأْوَلُ الْكَفَرَةَ مَا لَا يَعْلَمُونَ،

ص: ۱۰۴

وَ إِنَّمَا قِيلَ: اَعْرِفِ الْإِمَامَ وَ اَعْمَلْ مَا شِئْتُمْ مِنَ الطَّاعَةِ فَإِنَّهَا مَقْبُولَةٌ مِنْكَ، لِأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَمَلًا بِغَيْرِ مَعْرِفَةٍ، وَ لَوْ أَنَّ الرَّجُلَ عَمِلَ أَعْمَالَ الْبِرِّ كُلِّهَا وَ صَامَ دَهْرَهُ وَ قَامَ لَيْلَهُ وَ أَنْفَقَ مَالَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَمِلَ بِجَمِيعِ طَاعَاتِ اللَّهِ عُمُرَهُ كُلَّهُ وَ لَمْ يَعْرِفْ نَبِيَّهُ الَّذِي جَاءَ بِتِلْكَ الْفَرَائِضِ فَيُؤْمِنَ بِهِ وَ يُصَيِّدَقَّهُ وَ إِمَامَ عَصِيرِهِ الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ طَاعَتَهُ فَيُطِيعُهُ لَمْ يَنْفَعُهُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ذَلِكَ «وَقَدْ مَنَّا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَثْثُورًا» وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: وَ لَوْ تَقَطَّعَ الْجَاهِلُ مِنَ الْعِبَادَةِ إِرْبًا إِرْبًا مَا زَادَادَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا. (۱)

«اَنَا اللَّهُ وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (تلاوت این آیه کنایه از

۱- مستدرک الوسائل: جلد ۱ صفحه ۱۷۴ حدیث ۲۸۷ از دعائم الإسلام: جلد ۱ صفحه ۵۳.

ص: ۱۰۵

رویارویی با مصیبت است)، کافران آنچه را نمی دانستند، تأویل کردند. همانا (آنچه از جانب ما) گفته شد (این است) «امام را بشناس (نسبت به امام معصوم معرفت کسب کن) و از اطاعت او امر الهی هرچه می خواهی انجام بده که در این صورت (و همراه با معرفت) به یقین از تو پذیرفته است» زیرا الله عزوجل هیچ عملی را بدون معرفت نمی پذیرد. و اگر کسی همه کارهای نیک را انجام دهد و تمامی عمرش را روزه بگیرد و شب هایش را به نماز بایستد و تمامی دارایی خود را در راه الله انفاق نماید و تمام عمرش را صرف انجام همه طاعات الهی کند، اما نسبت به پیامبرش که آن واجبات را (از جانب خداوند) برایش آورده، معرفت نداشته باشد تا براساس آن معرفت، به او ایمان آورد و او را تصدیق کند و نیز نسبت به امام زمانش که خداوند عزوجل اطاعت

ص: ۱۰۶

او را بر وی واجب کرده است، معرفت نداشته باشد تا براساس آن معرفت از او پیروی کند؛ خداوند به سبب هیچ یک از اعمالش به او سود نرساند (یعنی اعمالش نزد خداوند ارزش و اعتباری ندارد)، خداوند عزوجل فرمود: «وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا وَ رُوِيَ عَنْهُ بِهٖ اَعْمَالُ اَنَانٍ كُنِيْمٌ وَ هَمَّ اَعْمَالُ اَنَانٍ رَا هَمَّچُوْن ذِرَاتٍ غُبَارٍ پَرَاكُنْدَه دَر هَوَا قَرَار مِي دَهِيم (یعنی نابود می کنیم)». و رسول الله صَلَّى الله عليه و آله و سلم فرمود: «اگر جاهل بر اثر شدّت عبادت خود را قطعه قطعه کند؛ عبادتش (او را) نسبت به خداوند، جز دوری نیفزاید» (یعنی چون اعمال او براساس دانش و شناخت نیست، او را به رضا و پاداش الهی نزدیک نمی کند).

محمّد بن مارد گوید: به امام جعفر صادق علیه السّلام

ص: ۱۰۷

عرض کردم: برای ما حدیثی از سخن شما روایت شده است که فرموده اید: «چون معرفت یافتی، هر چه می خواهی انجام بده». امام فرمود: چنین گفتم. (راوی گوید:) عرض کردم: حتی اگر زنا کنند یا دزدی کنند و یا شراب بنوشند؟ امام به من فرمود:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، وَاللَّهِ مَا أَنْصِيَهُ فُؤُونَا أَنْ نَكُونَ أَخِذْنَا بِالْعَمَلِ وَوَضَعَ عَنْهُمْ، إِنَّمَا قُلْتُ: إِذَا عَرَفْتَ فَاَعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنْ قَلِيلِ الْخَيْرِ وَكَثِيرِهِ؛ فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْكَ. (۱)

«اَنَا لِلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» به خدا سوگند درباره ما انصاف به خرج نداده اند (اگر معتقد باشند) ما در برابر اعمال خویش مؤاخذه می شویم اما (انجام واجبات و ترک محرمات) از آنان برداشته شده

۱- الکافی: جلد ۴ صفحه ۲۹۱ حدیث ۵، مجموعه روزام: جلد ۲ صفحه ۱۶۰.

ص: ۱۰۸

است؛ همانا من گفتم: چون معرفت یافتی، آنچه می خواهی از اندک کار نیکو و یا بسیار آن، انجام بده که در این صورت از تو پذیرفته خواهد شد (یعنی انجام اعمال نیکو، تنها در صورتی پذیرفته خواهد شد و پاداش دارد که همراه با معرفت انجام شود).

از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیده شد: این گروه ناپاکان (غلات و پیروان ابوالخطّاب) از پدر شما (یعنی امام باقر علیه السلام) این سخن را روایت می کنند که فرموده است: «چون به مرحله شناخت رسیدی، هر چه می خواهی انجام بده» و بعد از (استناد به) آن، هر چه حرام شده است، حلال می شمرند. امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا لَهُمْ؟ لَعَنَهُمُ اللَّهُ، إِنَّمَا قَالَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا

ص: ۱۰۹

عَرَفْتَ الْحَقَّ فَأَعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنْ خَيْرٍ يُقْبَلُ مِنْكَ. (۱)

آنان را چه شده (که چنین می کنند)؟! خدا آنها را لعنت کند، همانا پدرم امام باقر علیه السلام فرمود: «چون حق را شناختی، (همراه با این شناخت) هر چه می خواهی عمل نیک انجام بده که از تو پذیرفته می شود».

۱- معانی الأخبار: صفحه ۱۸۱ حدیث ۱. معانی الأخبار: صفحه ۳۸۸ حدیث ۲۶- به امام صادق علیه السلام گفته شد: ابو الخطاب از شما نقل می کند که به او فرموده اید: «چون حق را شناختی، هر چه می خواهی انجام بده». امام فرمود: لَعَنَ اللَّهُ أَبَا الْخَطَّابِ، وَاللَّهُ مَا قُلْتُ لَهُ هَكَذَا، وَلَكِنِّي قُلْتُ؛ إِذَا عَرَفْتَ الْحَقَّ فَأَعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنْ خَيْرٍ يُقْبَلُ مِنْكَ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»، وَ يَقُولُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً».

ص: ۱۱۰

چنان چه می بینیم چنین اندیشه ها و باورهایی، امری بدیع نیست و در زمان امام معصوم نیز وجود داشته و از آنجا که این عقیده، تمامی شریعت را نادیده می گیرد، برخورد امام با آن، چون رویارویی با مصیبت است.

اصلاً کیست که بپرسد اگر صرف ادّعی معرفت و دوستی اهل بیت کافیت، چرا واجبات و محرمات، حلال و حرام، به عنوان شریعت مطرح شده است؟ چرا پیامبر از ابتدا نفرمودند اهل بیت را دوست بدانید و آنچه می خواهید انجام دهید؟ در این صورت که به یقین هدایت شدگان بیشتر بودند؟!

اگر هیچ الزامی به پیروی از دستورات دین نبوده و نیست، هیچ یک از کسانی که مدّعی محبت اهل بیت بوده و هستند، نباید مورد بازخواست قرار گیرند، حتّی اگر با ائمه اطهار مخالفت کرده یا بکنند؛ آیا به واقع چنین است؟ آیا این

ص: ۱۱۱

تفکر بدان معنا نیست که نعوذ بالله خدا ما را سرِ کار گذاشته است؟ چرا باید مسیر هدایت را چنین پیچ در پیچ قرار دهد و نعوذ بالله بندگان خود را بیچاند چنان که از ابتدای امر تا کنون، عدّه بسیار کمی که طوایف غلات را تشکیل می دهند، تنها آنان ناجی باشند؟ و اگر طوایف غلات، هدایت یافته و ناجیه هستند، چرا این چنین در اصلِ باورها و نیز تبیین آن، با یکدیگر اختلاف نظر دارند؟ سرگذشتِ فرقه های غلات را بخوانید تا این گسست و شکست را دریابید.

به یاد بیاوریم پیام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در خطابه باعظمت غدیر، که بر آن تأکید داشتند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! وَ كُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ، أَوْ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَزْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أُبَدِّلْ. أَلَا! فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَ احْفَظُوهُ، وَ تَوَاصَوْا بِهِ وَ لَا تُبَدِّلُوهُ وَ

ص: ۱۱۲

لا تُغَيِّرُوهُ (۱)

ای مردم! حلالی که شما را بدان رهنمون شدم و حرامی که شما را از آن بازداشتم، بدانید از آن بازنگشتم. حلال خدا و حرام خدا را تغییر نداده ام (بلکه آن چنان که بود به شما ابلاغ کردم). آگاه باشید، این مهم را یادآور شوید و حفظ نمایید، بدان توصیه کنید و آن را تبدیل نکنید و تغییر ندهید.

بیان رسول الله چنان واضح است که نیازی به توضیح ندارد. حلال و حرام تا روز قیامت باقیست، حلال برای همیشه حلال است و حرام برای همیشه حرام است، قابل تبدیل نیست، قابل تغییر نیست و اگر کسی صرف نظر از شخص

۱- روضه‌الواعظین: جلد ۱ صفحه ۹۸، التحصین: صفحه ۵۹۰، الإحتجاج: جلد ۱ صفحه ۶۵ و العدد القویة: صفحه ۱۸۰.

ص: ۱۱۳

مرتکب عملی حرام شود و آن را به هر توجیهی (هر توجیهی) حلال جلوه دهد، هرگز حرام او، حلال نخواهد شد. فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ، فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ مِنْ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا، وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا، وَانْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشَدُوا، وَصِيرُوا إِلَى مُرَادِهِ وَلَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ.

ای مردم؛ همانا خداوند مرا امر و نهی فرمود و من نیز علی را امر و نهی کردم؛ بنابراین دانش امر و نهی را از جانب پروردگار عزوجل خویش می‌داند. پس شنوای فرمان او باشید که (از فتنه‌ها) سالم بمانید و از او اطاعت کنید که بدین وسیله هدایت شوید و نهی او را متابعت کنید که رستگار شوید و به سوی خواسته او روان شوید و مباد که راه‌های (انحرافی) شما را از ره پویی راه او

ص: ۱۱۴

پراکنده سازد.

بنیان و اساس دین معرفت ولی خداست اما لازمه معرفت، محبت و اطاعت ولی معصوم است. امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ شِيعَةُ آلِ مُحَمَّدٍ، كُونُوا النُّمُرَقةَ الْوَسْطَى، يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ الْغَالِي، وَ يَلْحَقُ بِكُمْ التَّالِي. □

ای شیعیان، شیعیان آل محمد، تکیه گاه میانه باشید (که در این صورت) «غالی» به سوی شما بازمی گردد و «تالی» به شما می پیوندد. مردی از انصار به نام سعد عرض کرد: فدایت شوم، «غالی» چیست؟ فرمود:

قَوْمٌ يَقُولُونَ فِينَا مَا لَا نَقُولُهُ فِي أَنْفُسِنَا، فَلَيْسَ أُولَئِكَ مِنَّا، وَلَسْنَا مِنْهُمْ. □

گروهی هستند که درباره ما (اهل بیت) چیزی می گویند که ما درباره خود نمی گوئیم. آنان در

ص: ۱۱۵

شمار (شیعیان و پیروان) ما نیستند و ما نیز از (امامان و پیشوایان) آنان نیستیم. پرسید: «تالی» چیست؟ فرمود:

الْمُرْتَادُ، يُرِيدُ الْخَيْرَ يُبْلِغُهُ الْخَيْرَ يُوجِزُ عَلَيْهِ.

جوینده است؛ به دنبال خیر است و چون خیر به او می‌رسد، بدان سپاس داده می‌شود (زیرا به آن عمل می‌کند). سپس امام رو به ما کرد و فرمود:

وَاللَّهِ مَا مَعَنَا مِنَ اللَّهِ بَرَاءَةٌ، وَلَا بَيْنَنَا وَاللَّهِ قَرَابَةٌ، وَلَا لَنَا عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ، وَلَا نَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ، فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعًا لِلَّهِ تَنَفَّعَهُ وَلَا يَتُّنَا، وَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ عَاصِيًا لِلَّهِ لَمْ تَنَفَّعْهُ وَلَا يَتُّنَا، وَيَحْكُمُ! لَا تَغْتَرُّوا، وَيَحْكُمُ! لَا تَغْتَرُّوا. (۱)

۱- الکافی: جلد ۲ صفحه ۷۵ حدیث ۶. ر.ک: نزله الناظر: صفحه ۱۰۲ حدیث ۳۱، مقصد الزاغب (مخطوط): صفحه ۱۵۵، کشف الغمّه: صفحه ۲ صفحه ۱۴۸، أعلام الدّین: صفحه ۳۰۱، مشکاه الأنوار: صفحات ۶۰ و ۶۶، شرح الأخبار: جلد ۳ صفحه ۵۰۲ حدیث ۱۴۴۰.

ص: ۱۱۶

به خدا سوگند، نزد ما برگ الهی رهایی از عذاب نیست و میان ما و خدا خویشاوندی نیست و حجتی بر خدا نداریم و جز با اطاعت (از فرامین الهی) به سوی خدا تقرّب نمی‌جوئیم، بنابراین هرکس از شما (شیعیان) که مطیع خدا باشد، ولایت ما به او سود می‌رساند و هرکس از شما (شیعیان) که نافرمانی خدا کند، ولایت ما به او سود نمی‌رساند. وای بر شما! مبادا، فریفته شوید. وای بر شما، مبادا فریفته شوید.

کسی که بگوید من نسبت به امیرالمؤمنین معرفت دارم لکن از ایشان پیروی نکنند، در حقیقت معرفت کسب نکرده، چنان چه در حدیث امام صادق علیه السلام خواندیم. اهل بیت

ص: ۱۱۷

علیهم السّلام هرگز نفرمودند ما را دوست بدارید و آنچه می خواهید از حلال و حرام انجام بدهید یا انجام ندهید. بیان چنین سخنانی بدان معناست که محبت اهل بیت، راه را برای ما هموار ساخته تا آن گونه که می خواهیم عمل کنیم، حلال را حرام دانسته و حرام را حلال جلوه دهیم و مورد بازخواست نیز نباشیم؛ آن هم با تکیه بر محبت آل الله!!! افترا و چگونه افترا بی؟؟؟...

برخی از غلات، به متن کتاب «مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین علیه السّلام» استناد کرده و به توجیه بافته های خویش می پردازند در حالی که در همین کتاب نیز به نقل از اهل بیت علیهم السّلام، «غلات» بدترین آفریدگان (۱) و مطرود در گاه ائمه طاهرین علیهم السّلام (۲) ذکر شده اند.

۱- رجوع کنید به صفحه ۸۸ از همین کتاب.

۲- رجوع کنید به صفحه ۱۰۱ از همین کتاب.

ص: ۱۱۸

آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین همه به انجام واجبات و ترک محرمات سفارش دارد؛ اهل بیت اطهار نیز تا پایان عمر مبارک خویش، خود را ملزم به انجام احکام و دستورات دین دانسته و همواره بدان ملتزم بودند؛

کیست که در مقام بندگی خداوند از رسول الله فراتر باشد؟ پیامبری که در تمام لحظات حیات پاک و مبارک خویش، خود را بر انجام واجبات و ترک محرمات ملزم داشته است. کسی که دین را جز این بداند و بپذیرد، به دنبال دینی رفته که خود می پسندد، نه دین به معنای حقیقی «دین» و این تنها گناه وی نیست، گناه عظیم تراو، نسبت دادن این اعتقاد به دین مبین اسلام و ساحت ملکوتی حضرات معصومین است.

می پرسیم چرا یک روز می گوئید حسین خداست، یک

ص: ۱۱۹

روز امیرالمؤمنین خداست، یک روز حضرت زینب و...؟ می گویند اینها همه خدا هستند و همه یکی هستند، یعنی نه تنها قائل به خداوندگاری ائمه، بلکه قائل به وحدت وجود ائمه طاهرین نیز هستند؛ در حالی که خدای تبارک و تعالی، نور اهل بیت را آفرید و سپس آن را تقسیم کرد و این چهارده نفر را آفرید؛ اینها در تمامی عوالم از جمله عالم دنیا، چهارده نور پاک و مطهر، به صورت مجزا از یکدیگر بودند.

نور اهل بیت علیهم السلام همه یکی است یعنی در علم و قدرت و عصمت در یک مستوا هستند و همگی از یک سرچشمه بهره می برند اما آیا این بدان معناست که اتحاد در وجود دارند و همه یک شخص هستند؟ هرگز چنین نیست؛ چگونه می توان چنین نتیجه ای را از کلام امام استنباط کرد در حالی که خود ایشان فرمودند چهارده نفر بوده و هستند و

ص: ۱۲۰

خواهند بود و در همه عوالم چهارده شخص هستند؟!

و اصلاً متصوّر و ممکن نیست که دو شخص مجزّاً از هم، دو شیء مجزّاً از هم، با هم یکی باشند. چطور چنین چیزی ممکن است؟ نزدیک و دور می شوند اما یکی شدن دو شیء مجزّاً، محال است. اگر همه اهل بیت، یکی باشند؛ پس چطور ازدواج کردند؟

و هابیان گفتند با استناد به آیه مباحله می گوئید حضرت علی علیه السّلام، نفس پیامبر است، چطور پیامبر دخترش را با نفس خود تزویج نمود؟ شیعه پاسخ داد. گفتند معتقد هستید پیامبر میان خودش و امیرالمؤمنین عقد اخوّت برقرار نموده، پس چطور دخترش را به برادرش داد؟ شیعه پاسخ داد. اگر بگویند شیعیان اعتقاد دارند اینها همه یکی هستند، داعیان این سخنان، چه پاسخی دارند بدهند؟ اگر بگویند شیعیان،

ص: ۱۲۱

اهل بیت را خدا می دانند، کافر و مشرک هستند، داعیان غلو چه دارند بگویند؟ کدام یک پاسخ خون های به ناحق ریخته شده شیعیان را می دهند؟ کجایند آنان که علی را، حسین را خدا می دانند، تا پاسخ کشتار شیعیان را به جرم کفر و شرک بدهند؟ خداوند می فرماید:

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ (۱)

کیست ستمکارتر از آنکه نسبت به آیات پروردگارش، یادآوری شود اما با این وجود از آن روی برتابد؟ به راستی که ما از گناه کاران، انتقام می گیریم.

در پایان، دعای امام رضا علیه افضل الصلاه و السلام را می آوریم که پیوسته به درگاه الهی عرضه می داشت:

۱- سوره (۳۲) السجده آیه ۲۳.

ص: ۱۲۲

اللَّهُمَّ إِنِّي أُبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْهَوْلِ وَالْقُوَّةِ، فَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الَّذِينَ أَدْعُوا لَنَا مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا فِينَا مَا لَمْ نَقُلْهُ فِي أَنْفُسِنَا. اللَّهُمَّ لَكَ الْخَلْقُ وَمِنْكَ الْأَمْرُ وَإِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.

الاهاء، به درگاه تو بیزاری می جویم از اینکه (معتقد باشم) (از جانب خویش، مستقل از تو) توان و نیرویی دارم (بلکه معتقدم و گواهی می دهم) هیچ توان و نیرویی نیست مگر از جانب تو. الاهاء، به درگاه تو بیزاری می جویم از کسانی که برای ما (اهل بیت) ادعای چیزی دارند که به حق، از آن ما نیست. الاهاء، به درگاه تو بیزاری می جویم از کسانی که درباره ما (اهل بیت) چیزی می گویند که ما درباره خویش نگفتیم. خدایا، آفرینش و آفریدگان از آن تو هستند و امر از جانب توست و (ما اهل بیت) «تنها تو را می پرستیم و

ص: ۱۲۳

تنها از تو یاری می جویم».

اللَّهُمَّ أَنْتَ خَالِقُنَا وَ خَالِقُ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ وَ آبَائِنَا الْآخِرِينَ. اللَّهُمَّ لَا تَلِيقُ الرُّبُوبِيَّةُ إِلَّا بِكَ، وَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لَهُ إِلَّا لَكَ، فَالْعَنِ النَّصَارَى الَّذِينَ صَغَرُوا عَظَمَتَكَ، وَ الْعَنِ الْمُضَاهِينَ لِقَوْلِهِمْ مِنْ بَرِّيَّتِكَ. اللَّهُمَّ إِنَّا عِبِيدُكَ وَ أَوْثَنَاءُ عِبِيدِكَ، لَا نَمْلِكُ لِنَفْسِنَا ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا مَوْتًا وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نُشُورًا.

خدایا، تو آفریننده ما و آفریننده اجداد و پدران ما هستی. اها، پروردگاری، جز به تو شایسته نیست و الوهیت جز برای تو سزاوار نیست؛ به همین جهت نصاری (مسیحیان) را از رحمت خویش دور دار که عظمت تو را کوچک شمردند، و نیز از میان آفریدگانت لعنت کن کسانی را که چون آنان معتقدند. اها، ما بندگان تو و بنده زادگان تو هستیم؛ برای خویش نه زیان و سود، و نه مرگ و زندگی و بازگشتی را در اختیار

ص: ۱۲۴

نداریم.

اللَّهُمَّ مَنْ زَعَمَ أَنَّنا أَرْبابٌ فَنَحْنُ إِلَيْكَ مِنْهُ بَرَاءٌ، وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ إِلَيْنَا الْخَلْقَ وَعَلَيْنَا الرِّزْقَ فَنَحْنُ إِلَيْكَ مِنْهُ بَرَاءٌ كِبَرَاءِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ النَّصِيَارَى. خدایا، هرکس گمان دارد که ما ارباب (به معنای پروردگار و خالق یکتا) هستیم؛ ما (اهل بیت) به درگاه تو، از او بیزاریم و هرکس گمان کند بازگشت آفریدگان به سوی ماست و (به استقلال، تقدیر و تقسیم) رزق و روزی بر عهده ماست، ما به درگاه تو، از او بیزاریم مانند بیزاری عیسی بن مریم از نصرانیان (مسیحیان).

اللَّهُمَّ إِنَّا لَمْ نَدْعُهُمْ إِلَى مَا يَزْعُمُونَ، فَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا يَقُولُونَ وَاعْفُ لَنَا مَا يَزْعُمُونَ. رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّاراً إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلْدُوا إِلَّا فَاِجْراً كَفَّاراً الاها، ما ایشان را به سوی آنچه گمان دارند نخوانده ایم، پس ما

ص: ۱۲۵

را به سبب سخنان آنان، بازخواست نکن و ما را (به سبب) گمان نادرست ایشان، ببخش. «پروردگار من، بر روی زمین یک تن از این کافران را باقی نگذار که اگر ایشان را رها کنی، بندگان را گمراه سازند و جز گناه کار ناسپاس، نزنند».(۱)

خاتم ختام

۱- اعتقادات الإمامیه، شیخ صدوق: صفحه ۹۹. عنه بحار الأنوار: جلد ۲۵ صفحه ۳۴۲ حدیث ۲۵.

ص: ۱۲۷

«غدیر» همان روزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ائمه طاهرین را به عنوان جانشینان خویش معرفی و امام امر دین، دنیا و آخرت اعلام فرمود و «عاشورا» همان روزی است که ثمره درخت نافرمانی از امام معصوم، خون مطهر سیدالشهداء و یاران پاکش را بر زمین ریخت.

«عاشورا» حادثه‌ای نابهنگام نیست؛ واقعی است برابر دیدگان آیندگان تا بینند و بدانند مخالفت با ولی معصوم، امت را تا یزیدآباد کشاند و به کربلا رساند تا جگر گوشه رسول و میوه قلب بتول را کشتند و کُلُّ یَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ

ص: ۱۲۸

عَزَّوَجَلَّ بِدَمِهِ وَهُوَ بِاللَّهِ يُدَكِّرُهُمْ فَلَا يَتَّعِظُونَ حَتَّىٰ قَتَلُوهُ بُغْيًا وَظُلْمًا وَعُدْوَانًا^(۱) و کشتن حسین علیه السلام را، وسیله تقرب به درگاه الهی دانستند و چنان کردند که امام ابی الحسن الرضا علیه السلام فرمود: «ذُبِحَ کَمَا...»، شگرف پیامی است که امام، ما را بدان رهنمون می شود...

و چه زیبا تفاوت میان اصحاب غدیر و عاشورا جلوه می کند؛ آنجا که بیعت کردند و جفا، و اینجا که بیعت برداشته شد و وفا. این، وفا به همان عهد و بیعت بود، احیای بیعتی که مرده و از یاد رفته بود....

اگر خوب گوش فرا دهیم، هنوز هم ندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي؟» بلند است آنجا که در ماه حسین علیه السلام، در مراسم عزای سیدالشهداء، به او و سروران و سلاله پاکش،

۱- الأُمَالِی شیخ صدوق: صفحه ۴۶۲ حدیث ۱۰

ص: ۱۲۹

نسبت خدایی داده می شود و بیداد، فراتر داد سر می دهد چون اعتقاد به خدایی ایشان، با تحریف کلام و مرام قدسی قَدِیسان عالم مخلوقات، مستند شده و نشر می یابد به نام حقیقت باطن و باطن حقیقت دین.

باشد تا بدانیم، بشنویم و «لیک» گوئیم.

سخن آخر و آخرین سخن، کلام خداوند که می فرماید:

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالْصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ (۱)

کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ بندد و چون راستی او را آید، آن را تکذیب کند. آیا در جهنم جایگاهی برای کافران نیست؟

فهرست منابع

۱- (۳۹) سوره الزمر آیه ۳۳.

ص: ۱۳۱

الذکر الحکیم: کلام الله تبارک و تعالی.

نهج البلاغه: الإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهما السلام (شهادت سال ۴۰ق). نشر دارالهجره قم، چاپ اول ۱۴۱۴ ق.

الأمالي: أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (ت ۴۶۰ق)

الأمالي: أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي الصدوق (ت ۳۸۱ق)، المكتبة الإسلامية، ۱۳۶۲ش.

الإحتجاج على أهل اللجاج: أبو منصور أحمد بن علي بن أبي طالب الطبرسي (ت ۵۶۰ق)، نشر مرتضی، ایران مشهد، چاپ اول ۱۴۰۳ ق.

الإختصاص: محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی المفید (ت ۴۱۳ق)، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳ق.

أعلام الدین: الواعظ الديلمي (ت ۸۴۱ق) مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، چاپ اول.

إثبات الهداه: شيخ حر عاملی، محمد بن حسن (ت ۱۱۰۴ق) نشر اعلمی، بیروت لبنان، چاپ اول ۱۴۲۵ ق.

إعتقادات الإمامیه: أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي الصدوق (ت ۳۸۱ق)، نشر کنگره شیخ مفید، ایران قم، چاپ: دوم ۱۴۱۴ق.

ص: ۱۳۲

التحصین لأسرار ما زاد من كتاب اليقين ، سيّد علي بن موسى ابن طاووس (ت ۶۶۴ق) نشر مؤسسه دار الكتاب قم، ۱۴۱۳ ق.

التوحيد: محمد بن عليّ بن بابويه القميّ الصدوق (ت ۳۸۱ق)، انتشارات جامعه مدرّسين قم، ۱۳۹۸ق.

الخصال: أبو جعفر محمد بن عليّ بن الحسين بن بابويه القميّ الصدوق (ت ۳۸۱ق)، جامعه المدرّسين في الحوزة العلميّه قم.

العدد القويّه لدفع المخاوف اليوميّه: عليّ بن يوسف الحلّي، برادر علامه حلّي (قرن هشتم هجري)، كتابخانه آيه الله مرعشي نجفي، چاپ اول ۱۴۰۸ق.

الكافي: ثقه الاسلام أبو جعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق الكليني الرازي (ت ۳۲۹ق)، دار الكتب الإسلاميه تهران، چاپ سوم ۱۳۸۸ق.

اليقين باختصاص مولانا عليّ عليه السلام بامر المؤمنين: السيّد أبو القاسم عليّ بن موسى بن جعفر بن محمد بن طاووس الحسني (ت ۶۶۴ق)، مؤسسه دار الكتاب الجزائري قم، الطبعة الأولى، ۱۴۱۳ق.

بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام: العلامة محمد باقر المجلسي (ت ۱۱۱۱ق)، نشر دار إحياء التراث العربي، بيروت لبنان، چاپ دوم ۱۴۰۳ ق.

بصائر الدرجات: محمد بن حسن الصفّار (ت ۲۹۰ق)، انتشارات

ص: ۱۳۳

کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.

تحف العقول: حسن بن شعبه حرانی (القرن الرابع)، نشر جامعه مدرسين قم، ۱۴۰۴ق.

تفسير العياشي: محمد بن مسعود العياشي (ت ۳۲۰ق)، المطبعة علميه طهران، ۱۳۸۰ق.

تفسير القمي: أبو الحسن علي بن إبراهيم القمي (ت ۳۲۹ق)، مطبعة مؤسسه دارالكتاب قم، الطبعة الثالثة ۱۴۰۴ق.

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام (استشهد في ۲۶۰ق) تحقيق و نشر مدرسه امام مهدي عليه السلام ناشر: مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف

دعائم الإسلام: نعمان بن محمد التميمي المغربي (ت ۳۶۳ق)، دارالمعارف مصر، چاپ دوم ۱۳۸۵ق.

رجال الكشي = إختيار معرفه الرجال: الشيخ أبو جعفر الطوسي (ت ۴۶۰ق)، شرح و تعليق: ميرداماد استرآبادي، تحقيق: سيد مهدي رجايي، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، چاپ اول ۱۴۰۴ق.

روضه الواعظين: الشهيد محمد بن قتال النيشابوري (شهيد در ۵۰۸ق) نشر رضى قم، چاپ اول ۱۳۷۵ش.

شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام قاضي نعمان بن محمد مصري (ت ۳۶۳ق) نشر جامعه مدرسين قم ۱۴۰۹ق.

علل الشرائع: أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي

ص: ۱۳۴

الصدوق (ت ۳۸۱ق)، المطبعة الحیدریّه النّجف الأشرف، ۱۳۸۶ق.

عیون أخبار الرضا علیه السلام: أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمّی الصدوق (ت ۳۸۱ق)، نشر مؤسسه الأعلمی بیروت.

قرب الإسناد: عبدالله بن جعفر الحمیری القمّی (قرن سوّم هجری)، نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم، چاپ اول ۱۴۱۶ ق.

کتاب سلیم بن قیس الهلالی (ت ۷۶ق) تحقیق و تصحیح انصاری زنجانی خوئینی نشر الهادی قم ۱۴۰۵ق.

کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه علی بن عیسی الیربلی (ت ۶۹۲ق) نشر بنی هاشمی تبریز ۱۳۸۱ق.

مائه منقبه من مناقب أمير المؤمنين و الأئمّه ابن شاذان، محمّد بن احمد (ت ۴۶۰ق) تحقیق و تصحیح و نشر مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشريف قم، ۱۴۰۷ق.

مجموعه ورام ورام بن أبي فراس، مسعود بن عیسی (ت ۶۰۵ق) نشر مکتبه الفقیه قم، ۱۴۱۰ ق.

مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (ت ۱۱۱۰ق) تحقیق و تصحیح رسولی محلاتی، هاشم نشر دار الکتب الإسلامیه تهران، ۱۴۰۴ق.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: الحاج میرزا حسین الثوری الطّبرسی (ت ۱۳۲۰ق)، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم ۱۴۰۷ق.

مشارك أنوار اليقين فی أسرار أمير المؤمنين عليه السلام الحافظ

ص: ۱۳۵

برسی، رجب بن محمد (ت ۸۱۳ق)، تحقیق السید علی عاشور نشر الأعلمی بیروت ۱۴۲۲ق.

مشکوه الأنوار فی غرر الأخبار: ابوالفضل علی طبرسی (وفات در اوایل قرن هفتم)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم.

معانی الأخبار: الشيخ الصدوق محمد بن علی بن حسین بن بابویه القمی (ت ۳۹۱ق)، تصحیح علی اکبر غفاری، نشر مکتبه صدوق تهران، ۱۳۷۹ق.

مقصد الراغب فی فضائل علی بن أبی طالب (مخطوط) للحسین بن محمد بن الحسن صاحب نزهه الناظر كما ذكره فی امل الأمل و قال المجلسی الثانی كان قریب العصر للصدوق و یروی كثيرا من الاخبار عن إبراهیم بن علی بن إبراهیم بن هاشم القمی

مناقب آل أبی طالب عليهم السلام: أبو عبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی (ت ۵۸۸ق)، نشر علامه قم، چاپ اول ۱۳۷۹ ش.

منهاج النّجاح فی ترجمه مفتاح الفلاح شیخ بهایی (ت ۱۰۳۱ق) نشر حکمت تهران ۱۳۸۴ ش.

نزهه الناظر و تنبيه الخاطر حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر (ت القرن الخامس ق)، تحقیق و تصحیح مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشر مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قم ۱۴۰۸ ق.

ص: ۱۳۶

دعای فرج جایگزین شود

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



اصفهان

گامی



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹